

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

هادی بهزاد

## یک بازار نو ظهور وحشت انگیز

بدست گروهی از متولیان " دینی" و به نام خدا و رسول و قرآن برای این سرزمین تحمیل شده است .

عصر دوا ندیشه گریزگ ایران (خواجیه شمس الدین محمد حافظ مولانا عبید زاکانی) و بطور کلی دوره فترتی که با مرگ سلطان ابوسعید آخرین پادشاه سلسله ایلیخانی آغا زمیشود و تا استیلای تیمورگورکانی ادا مدهارد، یکی از مشخص ترین ادواری است که عرصه زندگی به جولانگاه دهکانه داران دین و بساط کرفرا نورا نی نظیر مبارالدین محمد تبدیل شده است که هر روز محض شگون و صواب ، در فاصلهی هردو نماز سزی یا سرها شی را بدست خودا زبندنها جدا میکردتا به "میمنت" این "ا مرخیر" پیشا پیش سهم خود را از غرقه ها و حوریان بهشتی تشبیت کرده باشد .

بقیه در صفحه ۲  
سید رضوانی

## اهام احمد خویی

" ولفگانگ گونترلرش " مفسر سیاسی روزنا مه فرا نکفور ترا لگما یه یکسی از معدود مفسران خارجی است که مسائل کنونی ایران را می فهمد و اغلب اوقات ، با روشن بینی تحلیل میکند .

این روزنا مه نگار آلمانی که در سالهای اخیر چندین بار به ایران سفر کرده و اظهارات ظاهرا " با محافل ایرانی در ارتباط " است ، در آخرین گزارش تحلیلی خود راجع به اوضاع داخلی ایران اظهار نظر میکند که رژیم آیت الله خمینی با سه مسأله اساسی دست بگریبان است :

بقیه در صفحه ۴

## عناصر دامنستان سرابی

در دامنستان های ایرانی و سامی

در صفحه ۶

تاریخ ایران در مراحل متفاوت روایت از جنایت ها و زنا لیت ها شی دار که هر بار

## ماجرای وحیدگرچی

### رسوایی تازه سفارت خویی

وحیدگرچی که به عنوان نغردوم سفارت جمهوری اسلامی درپاریس شهرت یافته است و از یک ماه پیش بدنبال بر ملا شدن ارتباطش با شبکه های تروریستی بنیاد گرای اسلامی در فرانسو و صدور حکم حضارش از سوی مقامات قضائی فرانسه نا پدید شده بود ، در میان شگفتی خبرنگاران ، پنجشنبه شب - دوم ژوئیه - ناگهان در سفارت جمهوری اسلامی درپاریس ظاهر شد و سمت مترجمی غلامرضا حدادی کسار در جمهوری اسلامی را در کنفرانس مطبوعاتی وی برعهده گرفت .

ما جرای آنجا آغا زشد که پلیس فرانسه با حکم "ژیل بولوک" قاضی مسئول پیگیری پرونده های مربوط به تروریسم ، روز سوم ژوئن گذشته در نظر داشت وحیدگرچی را همراه با بیش از ۵۰ تن دیگر از اتباع ایران و کشورهای عرب و خاورمیانه ای در ارتباط با شبکه های تروریستی اسلامی در بقیه در صفحه ۱۰

## خلیج فارس دور از آرامش و امنیت

رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا از روزی ام ژوئن ، در مرکز شدیدترین برخوردهای مخالف و موافق قرار گرفت . اعلام تصمیم ریاست جمهوری در شریب دخالته نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس به قصد محافظت از نفتکش های کویت - که از روزیاز نهم ژوئیه جاری صورت خوا هد پذیرفت - نه تنها دمکراتهای کنگره که شماری از جمهوریخواهان را نیز به مخالفت واداشته است .

در سانی آمریکا ، کمیسیون امور خارجه ، همان روزی ام ژوئن به تهیه طرحی

قانونی پرداخت که اگر تصویب شود رونالد ریگان را از یکا رگیری رزمنا و های نیروی دریایی برای اسکورت نفتکش های کویتی بازمیدارد .

دمکرات ها که از ماه نوا میرگذشته اکثریت کنگره را در دست دارند ، هیئت به کاخ سفید گسیل داشته اند تا تصمیم خطیر ریاست جمهوری را "ما جرای جویی خطرناک و بازی با حیثیت آمریکا" توصیف کنند . این هیئت که یک سناتور جمهوریخواه نیز در آن عضویت داشت ،

بقیه در صفحه ۳

## یاد دلاوران قیام ملی ۱۸ تیر ۱۳۵۹ پیشتازان نبرد رهایی ایران را گرامی میداریم

حینعلی مشکان

### مذهب دولتی بجای دولت مذهبی

محسوب میشود ، رژیم آیت الله محراب و منبررا نیز مانند مطبوعات و رادیو و تلویزیون جزو نهاد های دولتی میشناسد بقیه در صفحه ۱۲

## اقتصاد مبتنی

### بر صدور عبا

رها شی از اقتصاد تک محصولی هدف عمده همه کشورهای است که اقتصاد ملی شان عمدتا " بربیک محوری چرخد . همه کشورهای که دارای اقتصاد تک محصولی هستند ، بی استثنا در شمار کشورهای هستند که در تعریف از آنها به عنوان "عقب مانده" نام برده می شود ، حجم ثروتی که از راه صادرات آن یگانه محصول عمده نصیب کشورهای نامبرده می شود ، تغییری در ساختار اقتصادی آنها بوجود نیاورده است ، هر چند که یک کشور در آمد صادراتی کلان و جمعیت انبساط بقیه در صفحه ۵

زمانی آیت الله خمینی دربار آیت الله کاشانی گفته بود " کاشانی ، مذهب یون را سیاسی کرد در حالی که میبایست سیاسیون را مذهبی کند " !

با این طرز فکر ، هدف آیت الله خمینی از ابتدا این بود که دولت را در ایران مذهبی کند ولی بعد از هشت سال ، عملا مذهب را دولتی کرده است .

وقتی مذهب ، دولتی شد آخوند هم دولتی میشود یعنی مثل یک کارمند دولت بایب از دولت دستور بگیرد و سیاست های دولت را اجرا کند . آخوندی که خود را صاحب اجتهاد مستقل از دولت بداند و برخلاف سیاست دولت قدم بردارد که رند خا طی محسوب میشود و قهرا " دولت برایش پروتکته تشکیل می دهد و او را به دیوان کیفری کارمندان دولت میفرستد .

دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم روحانیون که اخیرا " آیت الله خمینی تشکیل داد ، دادگاه های استمانند دیوان کیفری کارمندان دولت ، کمانی که برتانه سب این دادگاهها پرا دگرفته اند و میگویند جرایم روحانیون چرا با بدرد دادگاه اختصاصی رسیدگی شود توجه به این نکته ندادند که دولت و مذهب را آیت الله خمینی یکی کرده است و بنا بر این کسی که لباس مذهبی بتن میکند از نظر رژیم کارمند دولت مذهبی یا مذهب دولتی .

نوشته دیوید هرست

## رسول الله دیگری

### برای ملت ایران!

مشکل مجاهدین خلق که آید ثلوی آن ها آمیخته بی از فکر اسلامی و اندیشه های مارکسیستی است این است که های وهوی و بانگ و فریادشان ، بسیار بیش از کار و کردارشان است . آن ها مبالغه هنگفتی را

بقیه در صفحه ۵

بقیة از صفحه ۱

در این دوران، عذاب و پیریشانی و درد و جنایت و نا مردمی به حدی است که بقول عباس اقبال، حتی مالچترین افراد جامعه چون حافظ در آن مرتبه ی بلند از آزادی و تفکر و تمیز، حضور هیولای خونریزویی با کی نالیر تیمور را به دعا و جان طلب می کنند، بلکه به تیغ او این دمل چرکین و پیردگشوده شود. سوخته درجه صبر از بهر آن شمع جگله "شاه ترکان" فارغ است از حال ماکورستی؟

اهل کامونا زرا در کوی رندان راه نیست رهروی با یدجها نسوزی، نه خامی بیغمی خیزتا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم کز نسیمش بوی جوی مولیان آیدهمی مولانا عبیدنیز در آتش همین بیداد دینی است که بی محابا زبان تیزتر از تیغ تیموری را به رسوا ساختن قبیلای تبهکار رشخان و مفتیان و فقیهسان و قاضیان و محتسبان "دین پناه" وقف می کند:

الشیخ = ابلیس  
التلبیس = کلماتی که در باب دنیا گوید  
الوسوسه = آنچه در باب آخرت گوید  
المبطلات = کلماتی که در معرفت راند  
ویا در آن قصه شیرین و نقد جا نسدان  
"دکان داران دین" و دکانشان را به سخره میگیرد:

"مولانا شرف الدین دامغانی برادر مسجدی میگذشت خادم مسجد سگی را پیچیده بود و میزد و سگ فریاد میکرد. مولانا در مسجد بگشاد، سگ بدرجست، خادم با مولانا عتاب کرد، مولانا گفت ای یار معذورم دار که سگ عقل ندارد. از بی عقلی در مسجد میاید، ما که عقل داریم هرگز ما را در مسجد دیده ای؟"

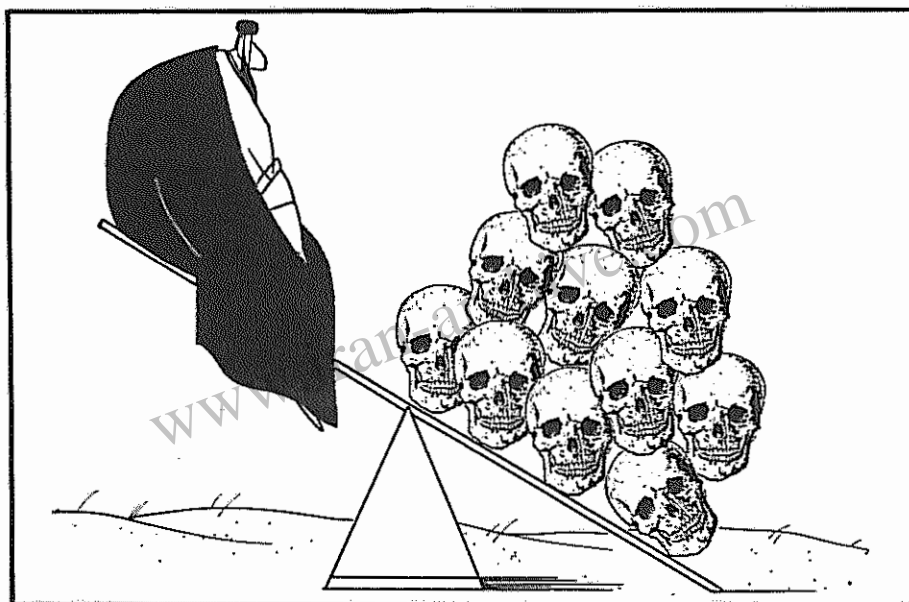
اگر آن دو بزرگوار رسا زگورترن ها بر میاوردند و بر حال و روز مردم دیا رخود در این روزگار که به اعتباری "عصر حرمت به حقوق بشروا ندیشه ای آزاد" عنوان گرفته است نظری می دوختند و می دیدند که "نخستین حکومت الله" از چنته ای خود چه تحفه ای بیرون کشیده است، بسا همان بزرگوار ای از سرتقصیرات جانورانی چون مبارزالدین محمد می گذشتند و چه بسا با همه توانا بیها و نبوغی که به شرح و وصف معتقدات خود و حوادث روزگار نشان داده اند، زبان در میکشیدند و قلم را راه می کردند که حقا هیچ کلمه و عبارت و هیچ ذهن روشن و توانا و هیچ قریحه ای آزاد زنده ای قدرت آن ندارد تا این سلسله بی انتهای جنایت ها و رذالت ها را در خور واقعیت ها به زبان و قلم بیاورد:

که اگر مبارزالدین محمدی با قتل نفسی جاده ی بهشت را بروی خود همسوار و خمخانه ای را ویران میکرد، در ایسن روزگار هزاران آیت الله و حجتا لاسلام وثقه لاسلام و بیشتما ز فقیه عالیه و دانی قدر، مثل علف هرزا ز زمین خدا روئیده و بنا م قرآن و اسلام برا جساد میلیونها انسان از کودک نه ساله تا پیر هشتاد ساله خیمه قدرت زده اند و با خون میلیونها و ضومیسازند، بودند و نبود ملتیی را به غارت میبردند و به آتش میسپردند.

## یک بازار نو ظهور وحشت انگیز

که اگر عذاب سگی در مسجدی امثال "قاضی شرف الدین دامغانی" را به جوش و دردمیاورد، در این زمانه در ظل "توجهات اما م روح الله خمینی" و در قلمرو "نخستین حکومت الله در کره ای رض" یعنی حکومتی که پیغمبر خدا از تاء سیس آن عاجز ماند و قرعه ی فال بنا ما م خمینی زده شد - مساجد خود را به بازارهای سیاه و سلاخ خانه ها و شکنجه گاهها و مراکز - دادوستد از زوافیون و هروئین و بیسه "دارالحکومه ای اولیاء دین" تبدیل کرده اند. بر راستی آیا خواهی شیراز و مولانا

دوست مطلعی که بتا زگی از راه رسیده است از این وقایع نوبه نو حکا بیات فراوانی دارد و مثلاً "حکا بیاتی که خود او بر آن "یک بازار نو ظهور" عنوان داده است. میگوید، این روزها موء سسات پزشکی قانونی در سراسر کشور، هر کجا مبه با زار پر رونق خرید و فروش دست و پا و انگشت و استخوان شهدا و در عین حال به صحنه ای از جدا لهای خونین تبدیل شده اند. ریشه ی ما جرا آنجا است که بموجب مقررات دولت اسلامی و حکم فقا هتی بنیاد دهشید، خانواده ها ی از "فضیلت شهادت" و



عبید را با تمام آن نبوغ و سحر کلام و وسعت و عمق اندیشه، اگر فرصت با زگشتی بود، بخصوص آنجا که تا چارمی با یدتا معیار قضاوت خود را با روح زمان جور کنند، این توانائی هم بود که ایسن انبوه و انواع رذالت ها را در قالب سخن بریزند و بیا دکان ریگذارند؟ تردید غلبه میکند - چرا که رژیم آیت الله اما م خمینی در قلمروی زشتی ها و خیانت ها نه فقط رکورد شکن، نه فقط بی همتا و بیگانه است که به تمام معنا نوآور است. داستانهایی و دوتا و ده تا و صد تا نیست، به هر گوشه ای از این "معرکه ی خون و جنون" که نگاه میکنی با هزاران قماش از فرومایگی و نا جوانمردی و ددمنشی و هر کد ام در نوع خود بی سابقه و بیرو خواهی بود، ما جرای سفیرانی که در خط ماء موریت "مدور انقلاب اسلامی" از سرقت یک بارانی و یا حتی یک جوراب وزیر بیروانی چشم نمی پوشند تا قصه آن فرستاده ی ویژه ی حوزه ای اما مت که با انبانی مملو از تریاک زعفرانی بدام می افتد و به پای در میانی و کورگسذاری سفارت الله، از بند کفرها میشود، حالا دیگر از نقل های کهنه و پیش پا افتاده است، چرا که در پرتو رشا دولایت فقیه، روز بروز حوادث تازه ای رخ میدهند و شگفتی های گذشته را واپس میزنند و در عوض نمونه های بدیعی از رذالت و نا جوانمردی را بمعرض نمایش میگذارد.

اتفاقی می افتد که در جمع "متقاضیان" درباری تما حب یک دست و یا یک پا و یا سری که بکلی سوخته و متلاشی شده است اختلاف در میگیرد و گاه مشاجرات لفظی تا زد و خورد های خونبار پیش میرود، و اما مایه ی نان دانی و تجارت "علما" کجا است؟

آن جا است که افرادی موفق میشوند به یکی از مراجع "روحانی" و بسا حتی پیشمنها و آخوندهای ذی نفوذ و صاحب نام میلی ببندند و با پرداخت رشوه ای از وی امضاء "شنا سائی" بگیرند، غالباً این "سفا رشنا مه ها" خطاب به پزشکی قانونی و متضمن چنین عباراتی است: "حامل این نام را حقیقی می شناسد، از مردان خدا و معتقد به ولایت فقیه و از عاشقان حضرت اما م امت است لطفاً" مقرر فرما کنید که به تقاضای ایشان ترتیب اثر داده شود.

همین برای ماء مور بنیاد شهید کا فیا ست تا احراز مالکیت بر شهید را تمام و راه استفاده از حق الشهادت را هموار کند. حالا بگوئید، آیا برای یک آدمی - زاده بهنجار، هر انداز به مستعد و ما - برادر افسانه پردازی و تخیل، هیچ قابل تصور هست تا قصه ای بی با فکده در گوشه ای از این دنیا با زاری در غایت گرمی و رونق آنهم بنا مذهب و خدا و پیغمبر و احکام آسمانی برپا ست که تنها متاع آن اعضاء و جوارح آدمی است؟ - و نیز قضاوت کنید که اگر خواه حافظ و عبید سر از لحد صد ها ساله بر میاوردند و این بساط ننگین و چرکین را بچشم میدیدند آیا صدمه نثار مبارزالدین محمد ها نمی کردند؟ و از درد و ستوه خود پوزش نمیخواستند؟

نقل سعدی است که:

ناخوش آوازی ببانگ بلند قرآن همی خواند، ما حبدلی برا و بگذشت گفت تورا مشا هره (شهریه و مزد) چندانست؟  
گفت: هیچ  
گفت: پس زحمت خود چندین چرا دهی؟  
گفت: از بهر خدا میخوانم  
گفت: از بهر خدا بخوان:  
گرتو قرآن برین لُط خوانی  
ببری رونق مسلمانی  
سعدی هم کجاست تا آن قاری مغلوک را فرا موش کند و ببیند بر سر ایمن او به نکبت حضور نخستین حکومت الله در کره ای ارض و دربار زار نو ظهور ولایت فقیه چه آورده اند؟

## سهند

بیرامون ملت و مسئله ملی - مصدق و اندیشه ملی از جمشید پارسا - سرزمین کوران ازجی. ا. ج. ولتر، ترجمه شیرین خسته - زبان ویژه جاب از نویسان - سرنوشت ایران چه خواهد بود از حامسند کسروی.  
قیام ایران مزید توفیق گردانندگان و نویسندگان این مجله از زمشند آرزومند است.

شماره ۸ فصلنامه تحقیقات سیاسی و فرهنگی سهند منتشر شد. از آنجا که در آخرین لحظات بسته شدن صفحات قیام ایران، بدست ما رسید در این شماره به نقل فهرست مندرجات آن اکتفا می کنیم و برررسی کا ملت را به بعد موکول مینمایم.  
مندرجات شماره ۸ سهند بشرح زیر است:  
- وفای ملی، از محمد ارسنی - انسان و اخلاق از دکتر محمود هومن - فرومایگان از زنیجه - نقد ما رکسیسم از حسین ملک -

## خلیج فارس دور از آرامش و امنیت

بقیه از صفحه ۱

رئیس جمهوری را از دخالت نظامی در خلیج فارس برحذر داشت و تلویحا " به وی گوشزد کرد که اگر کاخ سفید از این تصمیم با زنگردد، کنگره به " قانون جنگی " مصوب سال ۱۹۶۴ استناد خواهد کرد که برطبق آن، رئیس جمهوری ناچار خواهد شد به مدت ۶۰ روز تصمیم متخذه را به تاء خیر بیا نندازد.

عصر همان روز سخنگوی کاخ سفید " قانون جنگی " را ناظر بر موقعیست کنونی خلیج فارس ندانست و توضیح داد: " آن قانون، ویژه شرایط جنگ ویتنام تصویب شده بود، و کاربرد آن امروز نادر است.

سام نون، سنا تورد مکررات و رئیس کمیسیون نیروهای مسلح سنا، طی گزارشی که به کنگره تسلیم کرده است، خاطر درگیری با ایران را برای اثبات تصمیم ما جرایم و نه رئیس جمهوری، محتمل می شمارد. سنا تورسام نون، در همین گزارش میگوید: " به عقیده من تا زمانی که عراق جنگ نفتکش ها را متوقف نکند، دخالت نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس به منزله نقض بیطرفی اعلام شده در جنگ خلیج است.

خبرهایی که از واشنگتن می رسد حاکی از آنست که اقدامات حقوقی ثبت یازده نفتکش کویتی در آمریکا به پایان خود نزدیک شده است و انتخاب روز پانزدهم ژوئیه، برای اسکورت جنگی این نفتکش ها از آنست که در آن روز هیچگونه مشکل حقوقی و بین المللی وجود نخواهد داشت.

### چهره مخدوش خمینی

کا سپا روایت برگرد، وزیر دفاع آمریکا، برخلاف کنگره برای این عقیده است که آمریکا برای حفظ آزادی عبور و مرور کشتی ها در خلیج فارس با دیدی از این از خود ما به بگذارد، زیرا " منافع دوستان آمریکا و موقعیت ایالات متحده ایجاب می کند که نیروی دریایی ما، به سزای محفوظ ماندن ارزش های بین المللی قدم به میدان بگذارد.

وزیر دفاع آمریکا می افزاید: " اگر آمریکا به انجام این وظایف بر نیاید، کویت از شوری کمک خواهد خواست. " این اتفاق هم اکنون نیز روی داده است زیرا کویت از شوریها درخواست کمک کرده است و شوریها سه کشتی نفتکش خود را در اختیار کویت گذاشته اند.

و این برگرمی گوید: " حضور روزافزون شوری در منطقه، چهره آمریکا را برای دوستان عرب مخدوش کرده و موجب عصبانیت آنها می شود.

" ایران گیت " و فروش اسلحه به جمهوری اسلامی، مقامات آمریکا را در مشغول وجهه سیاسی ایالات متحده در نزد عراب کرده است. بی گمان، دولت های معتدل

اقدامات مربوط به برقراری صلح را تاء بیدویاری خواهد کرد.

یک هیئت دوازده نفره مرکب از نمایندگان کنگره در کمیسیون نیروهای مسلح روز پنجشنبه دوم ژوئیه به کشورهای منطقه خلیج فارس سفر کرده اند تا از نزدیک اطلاعات لازم را در باره سیاست آمریکا در این منطقه جمع آوری کنند.

این اقدامات نمایندگان کنگره، نشان از عزم را سخ آنان در جلوگیری از اقدامات ریگان در خلیج فارس دارد، که اجرای این تصمیمات را برای صلح و روابط شرق و غرب خطرناک می دانند. اما مادر همین حال یک همه پرسی که از سوی روزنامه ها و شگتن پست صورت پذیرفته است، فاش می کند که افکار عمومی آمریکا اقدام ریگان را در محال می بیند. نفتکش های کویتی تاء شیدی می کند. بنابر این همه پرسی، ۷۹٪ آمریکا ثیبان، حضور نظامی آمریکا را در خلیج فارس برای تاء مین جریان آزاد نفت ضروری و ۶۷ درصد آنان، این حضور را برای مقابله با نفوذ شوروی در منطقه لازم میدانند.

### رفسنجانی: مشتاق جنگ با آمریکا

جمهوری اسلامی از همان روزهای مؤوثن نسبت به اعلام تصمیم کاخ سفید مبنی بر دخالت نظامی برای محافظت نفتکش های کویتی، عکس العمل شدید نشان داده است. حجت الاسلام رفسنجانی اقدام آمریکا را، یک عمل جنگی علیه ایران خواند و گفت: " ما در مقابل بله با آمریکا هراسی نمانیم. ما از این جنگ استقبال می کنیم. " جانشین فرمانده نیروی دریایی پاسداران اعلام کرد که با استقرار موشک های زمین به دریا و " تجهیزات بسیار کاساژ و مؤثر " عربستان سعودی، کویت و دیگر کشورهای خلیج فارس در تیررس ما هستند. اگر آمریکا علیه نیروهای ما اقدام می کند، پاسخ خود را در دریا و خشکی و هر جای دنیا دریا فت خواهد کرد.

سخنگوی سپاه پاسداران اعلام کرد که نیروهای جمهوری اسلامی به موشک های زمین به دریا و ناوچه های موشک انداز مجهز اند و تا بیرون برای خنثی کردن ویا به حداقل رساندن میزان آسیب پذیری یا یگا های موشکی ایران در خلیج فارس بر اثر حملات احتمالی آمریکا، پیش بینی شده است.

مقامات مسئول آمریکایی از چند روز پیش خبر از استقرار یگا های موشکی ایران در منطقه آبراه هرزدا ده اند و روز دوم ژوئیه، تلویزیون ان. بی. سی. آمریکا به روایت یک مقام مسئول آمریکایی فاش کرد که جمهوری اسلامی به تا زگی دوبیگا بهر تابت موشک در منطقه تنگه هرمز برپا کرده است. همین مقام آمریکایی اظهار عقیده می کند که ایران طی یک یا دو روز میتواند بهر شمار با یگا های موشک انداز بیفزا یسد به این ترتیب بنظر می رسد که جمهوری اسلامی همزمان با تهدیدهای شدید، دست به عمل نیز زده است.

حجت الاسلام خا منه ای رئیس جمهوری ایران، حضور نظامی آمریکا را تضمین کننده امنیت در خلیج فارس نمی داند، بلکه بر عکس عقیده دارد که امنیت این منطقه با ید به وسیله کشورهای منطقه تاء مین شود و پیدا است تا زمانی که رژیم عراق به کشتی های ایران در دریا و به شهرها و تاء سیاست اقتصادی، در خشکی حمله می کند. از آرا مش و امنیت خبری نخواهد بود. خلیج فارس یا برای همه امن است و یا برای هیچکس.

رئیس جمهوری ایران عقیده دارد که: " هیچ رزمنا و ویا کشتی در خلیج فارس یا هر پرچی که برافراشته اند در مان نخواهند بود مگر آنکه بر ما ثابت شود که به کمک دشمن مان در حرکت نیستند. "

ایران برای اثبات این گفته، چند روز پیش با قایق های توپدار به سه کشتی حمله کرد که یکی از آن کشتی ها متعلق به کویت است. دشمنی ایران با کویت از آنست که این امیر نشین در جنگ میان ایران و عراق جانب عراق را گرفته است و به آن کمک می کند.

میر حسین موسوی نخست وزیر ایران، گفته است: ایران هیچ طرحی را که بهسبب ابرقدرتها اجاز دهد در پوشش سازمان ملل متحد و در منطقه شده و آنجا عمل کنند، قبول ندارد. نخست وزیر ایران افزود: " تنها راه حل، ایجا دفن بر عراق است تا از حمله علیه کشتی های ایران دست بردارد. "

همراه با این سخنان تهدید آمیز یک مقام مسئول آمریکایی فاش کرده است که ایران در آبهای نزدیک کویت ۱۲ مین کاسر گذاشته است. پنتاگون نیز قبول دارد که تعبیه این مین ها از سوی نیروهای ایران صورت پذیرفته است.

### دومرد بالحنی کمابیش ملایم

در چنین فضای برتنش و بحرانی، ریچار د مورفی لحن ملایمتری به کار می گیرد و میگوید: " آمریکا، انقلاب اسلامی ایران را برسمیت می شناسد. ایران در مقابل با ید قبول کند که آمریکا موظف به حفظ منافع دوستانش در خلیج فارس و منطقه است. ما رزمنا وها یمان را به خلیج فارس گسیل نمی کنیم که زکشتی های حامل اسلحه برای عراق حفاظت کنیم. ما فقط می خواهیم جریان نفت در خلیج فارس مختل نشود و این آبراه بین المللی از امنیت برخوردار باشد. "

در برابر این لحن ملایمتر، جواد دلاریجانی، معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در ژنونی به لحنی کمابیش ملایم توضیح میدهد:

" ایران اخیرا " بخاطر استقرار صلح و امنیت در خلیج فارس به مسئولان چند کشور از جمله آلمان غربی، ایتالیا و بلژیک، راه حل های عملی و ملموسی را ارائه کرده است. امنیت در خلیج فارس تقسیمنا پذیر است و حضور نیروهای نظامی ابرقدرتها در خلیج فارس ضرورتی

## بقیه از صفحه ۱

اول بحران اقتصادی  
دوم جنگ  
سوم بحران جانشینی

در هر سه مورد "گوتنترلرش" تحلیل خوبی ارائه می دهد و نتیجه میگیرد خمینی در تله بی افتاده که خودش کا رگذاشته است. آیت الله خمینی تصور میکرد عوام کافی برای پیروزی در جنگ و ساقط کردن رژیم عراق تحت اختیار دارد. از لحاظ اقتصادی، گمان میبرد هزینه های جنگ را هر چه باشد و تا هر زمان که لازم باشد در خواهد بود از محل درآمد مدارس و رنفت تاء مین کند. از لحاظ نظامی پشتش به ارتش نیرومندی که بروایتی پنجمین ارتش غیرا تمسی جهان بشمار می آمد گرم بود. از لحاظ نیروی انسانی هم غمی نداشت زیرا به طوری که خودش گفته بود ایران اگر بیست میلیون تلفات میداد با زیست و چنسد میلیون نفوس برایش باقی میماند. به علاوه آیت الله روری "ستون پنجم خود" در عراق حساب می کرد و می پنداشت بمحض آنکه جمهوری اسلامی بتواند چندین ضربه سنگین در جبهه جنگ بر عراق وارد کند آوندها و عوام مل فرصت طلب در عراق هم با همان شیوه هایی که در ایران تجربه شده بود خواهندتوانست تشنج بیافینند و ثبات سیاسی خود را بخطر نندازند. بهمین دلایل، و در رور و یای تاء سین یک امیرا توری مذهبی، آیت الله خمینی - همان طور که گوتنترلرش هم اشاره کرده است - فرصت های بسیار خوبی را که برای پایان دادن به جنگ پیش آمده بود نادیده گرفت و برادامه جنگ پافشاری. محاسبات آیت الله درست از آب در نیامد. از زمانی که جمهوری اسلامی کوشید جنگ را به داخل خاک عراق بکشد و صورت معادله تغییر کرد، در نتیجه، اکنون که نزدیک به هفت سال از شروع جنگ میگذرد رژیم آیت الله همان فشارهایی را تحمل میکند که انتظار داشت در صورت اطلسه جنگ بر رژیم عراق تحمیل کند و آن را از پای در آورد.

## اهام احمد خمینی

اهم این مشکلات، که بر شاه رژیم آیت الله فاش می آورد، وضع مالی و اقتصادی است. گوتنترلرش مینویسد: "در گزارشی رسمی اناق با زرگان آلمان و خاورمیانه تصریح شده است که آشتگی اقتصادی در ایران هر روز افزایش پیدا میکند و رژیم آیت الله خمینی به هیچ کیفیت قادر نیست این بحران را مهار کند. اما در جنگ، آسیب دیدن تاء سیاست نفتی، کاهش درآمد نفت، تعطیل کارخانجات، بیکاری روزافزون و در نهایت امر تورم با ورنکردنی، اقتصاد ایران را به مرحله انفجار رسانیده است و دولت آلمان باید در دروا بط با زرگانی خود با جمهوری اسلامی دقت بیشتری بخرج دهد..."

مفسر آلمانی میپرسد:

"چه کسی تصور میکرد که کشوری مانند ایران با چاهای نفتی به روزی بیفتد که بانک های بین المللی حاضر به وام دادن به آن نباشند. و بالاخره این کشور میخواست هدیه کجا برود؟" این سؤال، در ایران امروزه ختقاق و استبداد محض بر آن حکومت میکنند، البته قابل طرح نیست ولی ایرانی ها از کوچک و بزرگ، حتی آنها که در داخل دایره قدرت قرار دارند، نمیتوانند از چنین سؤالی غافل بمانند حال آن که در مرکز دایره قدرت، فعلا "جنگ دیگری با شدت هر چه تمامتر بر سر میراث خمینی درگیر است."

مفسر فرانسوی تگفور ترا لگما ینه ها منظور کسه اشاره کردیم به مناسبتی در داخل رژیم دسترسی دارد و از همین روز و نخستین مفسران خارجی است که از توطئه های که در پس پرده برای ایجاد حکومت موروثی جریان دارد خبر میدهد.

راه برداشته نشود، پس از مرگ خمینی نه رفسنجانی و نه سید احمد خمینی هیچکدام ماندنی نخواهند بود. توطئه حذف منتظری را در خفا شخص خمینی اداره میکنند ولی منتظری هم بیکسار ننشسته است و بنوبه خود مشغول با رگیری و چیدن مهره ها است.

برگ برنده ایی که منتظری در دست دارد راء ای مجلس خبرگان و عنوان رسمی قاضی مقام و جانشین رهبر است. در عوض، رفسنجانی و احمد خمینی، مجلس و دولت و قوای اجرائی را در اختیار دارند. از طرفی منتظری میدانده که جا مع روحانیت، یعنی تنها نیرویی که هنوز در صحنه سیاست حضور دارد و بوقت لزوم میتواند نقشی ایفاء کند، نسبت به احمد خمینی و هاشمی رفسنجانی نظر خوشی ندارد و به آسانی زیر بار حکومت آنها نمی رود. بهمین سبب در هفته های اخیر، منتظری کوشیده است روابط خود را با آخوندهای متنفذ قم و تهران و ائمه جمعه و جماعت در شهرستان های مختلف - که طرفداران فقه سنتی را تشکیل میدهند - محکم تر کند. گروه مقابل نیز، با سبازی جدید یعنی تسخیر و تبدیل گسترده فرمانداران، انحلال حزب جمهوری اسلامی و بالاخره ایجاد دادگاه مخصوص روحانیت - و پایگاه های بی را از دست "طرفداران فقه سنتی" گرفته و روی حوزه قدرت منتظری و همدستانش دست انداخته است.

بهر حال، برای اینکه زجاج آقا احمد خمینی اما متا زهای بسا زندگی و اخلاق در دودمان آیت الله خمینی باقی بماند، یا باید منتظر استعفاء کند. یا او را به "بیش از هفتاد و دو تن شهید" حزب جمهوری اسلامی ملحق سازند و یا آنقدر بال و پرش را بچینند که در زمان موعود، مانند ابوالحسن بنی صدر، بتوانند با یک لگدا زدا بره بیرونش اندازند.



Samstag, 18. Juli 1987  
Um 1600 Uhr  
Alter Teichweg 200  
2000 HAMBURG 70  
Haltestelle U1 Alter Teichweg  
دکتر عبا سقلی بختیار

۳ - کلن یکشنبه ۱۹ ژوئیه ساعت ۱۵ (سه بعد از ظهر) در محل:  
Sonntag, 19. Juli 1987  
Um 15.00 Uhr  
E S G  
Bachemer Str. 27  
5000 KOLN 41  
دکتر منوچهر رزم آرا



هم میهنان عزیز!  
هر روز تلخ خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

سخنرانی را با اطلاع هموطنان رساننده است. متن اطلاعیه بشرح زیر میباید: با اطلاع میرساند که نهضت مقاومت ملی ایران شاخه آلمان غربی در نظر دارد در ماه ژوئیه ۱۹۸۷ در شهرهای مونیخ - هامبورگ و کلن، جلسات سخنرانی با شرکت آقا یان دکتر عبدالرحمن برومند - دکتر عبا سقلی بختیار و دکتر منوچهر رزم آرا برگزار نماید.

تاریخ و محل جلسات به شرح زیر است:  
۱ - مونیخ جمعه هفدهم ژوئیه ۱۹۸۷ ساعت ۱۸ و سه دقیقه بعد از ظهر در محل:

Freitag, 17. Juli 1987  
Um 18.30 Uhr  
B U R G E R S A A L  
Rosenheimer Str. 123  
8000 MUNCHEN 80

دکتر عبدالرحمن برومند

۲ - هامبورگ شنبه هجدهم ژوئیه ۱۹۸۷ ساعت ۱۶ در محل:

## اخبار نهضت

### تظاهرات در برلین غربی

هلیوم پر شده و بر روی آن شعارهای سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران از جمله: آزادی و صلح برای ایران - استقلال و آزادی ایران با دکتور بختیار - به قضا شهر فرستاده شد. ضمنا "از سوی شرکت کنندگان در تظاهرات ترجمه اظهارات اخیر رهبر نهضت مقاومت ملی ایران در باره جنگ و همچنین متن آلمانی نامه دکتر بختیار به رئیس جمهور آمریکا توزیع گردید.

### جلسات سخنرانی

نهضت مقاومت ملی ایران، واحد آلمان غربی طی اطلاعیه ای، تشکیل چند جلسه

مقارن سفر اخیر رئیس جمهوری آمریکا به برلین غربی، تظاهراتی از سوی اعضاء و هواداران نهضت مقاومت ملی ایران، واحد شهری برلین غربی برگزار گردید. این تظاهرات در یکی از میدانهای مرکزی شهر از ساعت ۱۱ تا ۱۳/۳۰ روز جمعه ۱۲ ژوئن برپا شد. شعارهای تظاهرات عبارت بود از:

صدور اسلحه به ایران و عراق را محکوم می کنیم - جنگ بس است - ملت ایران در خاک و خون دست و پا میزند - معا مله و مماشات با رژیم تروریسم پرور خمینی موجب گسترش تروریسم است - زن ایرانی در بند ظلم و ستم است.

در این تظاهرات بالنها که با گاز

بقیه از صفحه ۱

داشته با شدیا به عکس، در آمد ما در اسی اندک و جمعیت بسیار، فقط اقلام و ارداتی و در نتیجه لگوی مصرف آنها با یکدیگر فرق دارد، وگرنه، به عنوان مثال، و نژوئلا که از صادرات نفت خود درآمد کلانی بدست می آورد، از حیث ساخت اقتصاد - اجتماعی با مکزیک تفاوت چندانی ندارد که از صادرات زغال سنگ خود درآمد مهمی کسب نمی کند، وجه مشترک همه این کشورها این است که دریا فته اند بدون بیرون آمدن از دایره بسته اقتصاد تک محصولی نخواهند توانست اقتصاد ملی درخور توجهی بنسازند که در برابر برنوسان قیمت دریا زارهای بین المللی آسیب پذیری کمتری داشته باشد، ایران در دوران گذشته که به رشد و توسعه اقتصاد توجه بسیار داشت، همان گونه در صد گوناگون کردن منابع درآمد غیر نفتی خود بود که ایران در زمان جمهوری اسلامی که فقط بر حسب اجبار شرایط ناگزیر شده است به اقتصاد توجهی کند.

## اقتصاد مبتنی بر صدور عبا

آیت الله خمینی هم سرانجام دریافت که برای تهیه یونجه لاغها نیز باید چرخهای اقتصاد یک کشور، متناسب با نیازهای روز، بچرخد. صادرات غیرنفتی اگرچه چندسال است که بر سر زبان گدا شدگان رژیم تهرانی افتاده است و حتی برخی از خوشبایوران و سادانندیشان هفته های نخست انقلاب، سخن اقتصاد بدون نفت را دوباره پیش کشیدند، اما چنین می نماید که فقط به تا زگی دریا فته اند ما در اسی که لاهای که دریا زارهای بین المللی رقیبان نیرومندی دارند، یک چیز است و صادرات نفت که دنیا همیشه بدان نیازمند است و اما تولید آن جز در اختیار چند کشور انگشت شمار نیست، چیزی دیگر، به قول یک کارمند بلندپایه جمهوری

و خشکی را، دو قلم درخور توجه ما در اسی، اگرچه کالاهای صنعتی به معنای خاص کلام نبودند، اما محصول نفتی هم نبودند.

ولی این جمهوری اسلامی بود که اقتصاد کشور را بیشتر از همیشه به صادرات نفت متکی کرد، اما دهه جنگ، عمده ترین هدف جمهوری اسلامی، و تهیه خوراک در حداقلی که کمتر از آن ممکن نیست، بدون صادرات نفت امکان پذیر نیست، ما در اسی که نفت یک روی سکه ای است که روی دیگر آن واردات جنگ افزار و کالاهای مصرفی است که حداقل معیشت را با ایدتاء میسر کند.

ضرورت رها شدن اقتصاد تک محصولی چنان فشاری بردستگاه حکومتی آورده است که حجت الاسلام صادق خلخالی نیز از آن سخن می گوید. اگر در آمد نفت دچار این نوسان و ناامنی نمی شد، رژیم تهران اصلاً به فکر این نمی افتاد که دست کم نگاه جدی تربیان بیفکند، شیخ صادق خلخالی در گفتگویی می گوید: یک راه دور شدن از صادرات نفتی توجه به صادرات فرش است، فرش ایران در تمام دنیا مشتری دارد و غیر قابل رقابت است، حجت الاسلام به کالاهای چون خرما و خشکیار و صنایع دستی نیز در ارتباط با صادرات اشاره ای کرده است.

اگر از روزی که آمدن جمهوری اسلامی تا کنون، صادرات، جز پسرقت، حرکتی نکرده است، دست کم به این دستاورد مثبت رژیم باید توجه کرد که حجت الاسلامها نیز سرانجام چیزی از اقتصاد دهیمده اند، زیرا همین حجت الاسلام صادق خلخالی بوده که در سال ۱۳۵۹، در خاطرات خود نوشت: "حیف که توجه مردم به بافتن قالی است، ولی صادرات عبا خیلی کم است. در این زمینه هیچگونه فعالیت اقتصادی دریا زارهای بین المللی از طرف دولت وجود ندارد. زمینه فروش عبا در اروپا مخصوصاً شوروی زیاد است. من خودم سی سال قبل که در اردبیل بودم، با چشم خود دیدم رئیس قشون روس روی اسب سوار بود و عبا می پوشید، دوش داشت، اما فیه بران اسب تیسر داندنگها و قضا تا دگستری اروپا در مجالس رسمی عبا به دوش می کنند، اگر به صادرات عبا توجه شود یکی از آثار ملی ما محفوظ بوده استفاده کلانسی عاید مملکت می شود."

به حجت الاسلام خلخالی گوشزد باید کرد که برای ترویج نوع خاصی از پوشاک معمولاً "کسانی که ما نکن" خوانده می شوند، در برابر برینندگان در سالنهای ظاهری شوند و لباس مربوطه را بپوشند، شیوه خاصی به تماشا می گذارند، حاکم شرع ما اگر صادرات عبا را جدی می گیرد، باید این قسمت قضیه نیز فکر کند، و انگهی آنچه استادان و قضات در مراسم خاص به تن می کنند، عبا نیست، شل است و ربسطی هم به تلاش ما در اسی دولتی اسلامی ندارد.



سرخورده مجاهدین می گوید: هر دو گروه معتقدند که هر چه بیشتر شهید بدهند، آرمان شان حقانی تر است. "مجاهد سرخورده، این اعتقاد را بخشی از جنون مذهبی بی می خواند که وی همانند بسیاری از دیگر مخالفان آیت الله ها، عمق آن را در نیافت، رجوی و خمینی موفق شده اند دست در دست هم، بخشی از بهترین های یک نسل را در بیکارگاهها، بسجوبه های دارنایا بوسازند، آن دو، صدها خانواده را به جان هم انداخته اند، چه بسا ریبیش آمده است که یک برادر بیکر مجاهدین پیوسته است و دیگری به ساداران انقلاب، شایدا ضراب انگیزتر از همه اینها، این باشد که رجوی خود را هر چه آشکارتر چون تنها جایگزینی خمینی می خواند، اگر در کورآرام بخش "اورسورا واز"، آن جا که ارزش های دموکراتیک غربی حقا "ستوده می شود" مجاهدین، پرستش شخصیت را به رغم حضور آشکارش، نزد دیگران، کم رنگ جلوه می دهند، اما در میان خودشان، چنین محدودیتی به چشم نمی خورد.

هیچ چیز بیش از به اصطلاح "انقلاب ایدئولوژیکی" که رجوی آن را در سال ۱۹۸۵ افتتاح کرد، ماهیت مجاهدین را فاش نکرد و هیچ چیز بیش از آن، به طریقی پایدار، به آنان زیان نرساند و آن، زمانی بود که وی همسر یکی از دستیارانش را به همدیگی و سپس به همسری برگزید. تمام می سرکردگان مجاهدین رسماً "ناگزیر شدند" این "گام تاریخی" را تا بید کنند و آن را چون یک جهش کیفی که از همه حماسه هادر تاریخ سجاهدین، فراتر می رود بستاند، شوهر بخت برگشته (ابریتم جسی)، بزرگوارانه و آقا منشا نه، خدای را سیاسی گذارد که این بخت را به او داد که در این تصمیم زیبای ایدئولوژیکی سهمی بر عهده گیرد، یک روزنامه نگار در روزنامه مجاهد نوشت که این همان عشقی است که اصحاب حضرت محمد در اوبه معا بنه دیدند و رجوی را به "رسول الله" تشبیه کرد، یک دموکرات غیر مذهبی می گوید: در

## رسول الله دیگری

### برای ملت ایران!

بقیه از صفحه ۱

به ویژه در مغرب زمین، صرفاً روابط عمومی می کنند، از این راه، بیشتر اروپا ثیان و آمریکا ثیان را تحت تاثیر قرار می دهند تا جامعه ایرانی را که در حقیقت، مخاطب اصلی است، عبدالرحمن قاسمی، رهبر حزب دموکرات کردستان می گوید: "مجاهدین در کردستان، و حتی در مرزهای پایگاه های ندارند، با یگانه آن ها در پنجاه کیلومتری بغداد است، آن ها عملیات ما را به نام خود جا می زنند." جامعه دیپلماتیک در تهران نیز اظهار می دارد که "مجاهدین، فعالیت های مقامی به اصطلاح سراسری خود را بنا به بیت غلو و مبالغه گزارش می کنند." به نظر نمی رسد کسی دعاوی روزافزون مجاهدین را چندان جدی انگارد. یکی از فعالان حقوق بشر می گوید دعوی مجاهدین مبتنی بر این که ۷۰ هزار "شهید" داده اند، مبالغه ای عظیم است. وی فداکاری رزمندگان مجاهد را زیر سؤال نمی برد، اما ما نندبسیاری دیگر، فداکاری آنان را تعصب کور - دلانه می می خوانند که یا در وقت شریعت پیروان کور آیت الله خمینی است. در حقیقت، مجاهدین و خمینی گرایان، در معنا به چشم همه کس جز خودشان، شاخه های متفاوت درخت اجتماع و فرهنگی واحد هستند، گرچه یکی به ظاهر "مترقی" است و دیگری با لذات کهنه گسرا. در زمینه عمل، هیچکس به خمینی آن قدر شباهت ندارد که بی رحم ترین مخالفش، رجوی، پر شورترین هوادار آن است. دو تن، اساساً از طبقه متوسط اخیراً "شهر نشین شده" بی برخاسته اند که تحت تاثیر تربیت غربی قرار گرفته اند، اما هنوز در سنت های مذهبی ریشه دارند، یک هوادار

زمان شاه، شاعر خدا، شاه، میهن، رایج بود، اکنون شاعر خدا، خمینی، ایران. اما شاعر مجاهدین، این است: ایران، رجوی... رجوی، ایران، ما زندگی خود را وقف بیکار با چنین شعرا را بی کرده ایم. من در رجوی عنصری از دموکراسی نمی بینم، مهم نیست هوا داران نش به آنچه می گویند، رجوی می خواهد ولایت فقیه توبیتی بنیاد کند، نظای که خمینی، بدان، خود را به عنوان ترجمان عالی مشیت الهی توجیه می کند.

مجاهدین، در نشریه های شان، منظم "به دیگر نیروهای اپوزیسیون، دشنام می دهند و به اصطلاح شورای ملی مقاومت، که همه شخصیت ها و ساداران های که وزنی از استقلال داشتند، آن را رها کرده اند، اکنون چیزی بیش از فاساد و خیال نیست، رجوی از طریق این شورای ملی هم گشته، می کوشد تا هر حمایت وسیع ملی از مجاهدین را در افکار بین المللی حفظ کند.

منتقدان مجاهدین می گویند آن ها هر چه بیشتر به یک فرقه بسته، یک بعدی تنگ نظر تبدیل می شوند که سر پا برده رهبری هستند که زفداکاری آنان به منظور انتقام جویی شخصی از حاکمی بهره برداری می کنند که میراث وی را از وی برده است، به گفته ناقدان، رجوی گرچه در اصل از فرانسوارانده شد، بی میل به خروج از این کشور نبود، زیرا نیاز زبانه داشت که جوانان از خود گذشته ما زمان را که بیم آن می رفت که مجذوب آزادی های غربی شوند زیر کنترل شدید خود داشته باشند، عراق، محیط مناسبی برای اعمال این کنترل بود.

جای شگفتی نیست اگر در جزوه های جدا شدگان از مجاهدین مطالبی دربار وجود مراکز آموزش می خوانیم، در این مراکز، کارهای سرکش و زبان دار، زیر فشارهای جسمی و روحی گذاشته می شوند تا با اعتراف به همه بندها و کردارهای گذشته شان و با استغفار از آن ها، بسر انقلاب ایدئولوژیکی که همانا ازدواج مسعود و همسران زهراش، مریم است، صدها گذارند.

کوتاه شده از گاردین - ۲۵ ژوئن و اول ژوئیه ۱۹۸۷

### فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

## همانندی عناصر داستان سرایی

### در داستان های ایرانی و سامی

واگرچنین باشد (بنده در این مورد اطمینان ندارم) چنان گهمی دانیم در فارسی داریه معنی درخت است (هنوز درما زندران به جای کلمه درخت، دار می گویند و ما نیز در تهران دار درخت را با هم به کار می پریم) و بنا بر این "دار" و "آب" درست معادل "مو" و "سی" است.

به حال در داستان های ملی آمده است که بهمن پسر اسفندیار با همای دختر خویش بخت و همای از پدریار گرفت. فردوسی که همواره در رعایت احترام و شگون ایرانیان کوشا بوده و گمان می برده که آنچه در منابع خویش می بیند تاریخ واقعی ایران است؛ زاین روی گوید که بهمن دختر خویش را به رسم و آیین ایرانیان به زنی خواست:

پسرند مرا ورا (= بهمن را) یکی همچو شیر  
 که ساسان همی خواندی اردشیر  
 دگر دختری داشت نامش همای  
 هنرمند و با دانش و نیک رای  
 همی خواندندی ورا چهارزاد  
 ز گیتی بدیدار و بود شاد  
 پدر در پذیرفتش از نیکوی  
 بران دین که خوانی همی پهلوی  
 همای دل افروز تا بنده ماه  
 چنان بد که آستان آرزو شاه  
 اما برای خواننده این شبهه پیش می آید که گریه بهمن دختر خود را به "دین پهلوی" و بر طبق رسم و آیین خواسته بود، چه لزومی داشت که همای حمل خویش را پنهان دارد؟ باقی داستان را هم از زبان استاد دطوس بشنویید:

چوبهمن چنان دیدیمار شد  
 چو از در درگاه اندر آمد زبای  
 بفرمود تا پیش او و شدمهای  
 بزرگان و نیک اختران را بخواند  
 بتخت گرانمایگان بر نشاند  
 چنین گفت کاین پاک تن چهارزاد  
 بگیتی فراوان نبودست شاد  
 سپردم بدوتاچ و تخت بلند  
 همان لشکر و گنج با ارجمنند  
 ولی عهد من او نبود درجهان  
 هم آنکس کز زوایا ندرنهان

پدرش عمران بود و نامش موسی بود زیرا که بمیان آب و درختش یافتند. و بزبان عبری "مو" آب است و "سی" درخت. چون مادر موسی با رگرفت پدرش درگذشت و مادرش پنهان می داشت تا وقت با رنهادن. حق تعالی چنان حکم کرد که آمدن وی بوقت نماز زخفتن بود. چون از ما در جدا شد و ما در او را بدید دوستی وی در دلش افتاد، با خویشش گفت چگونه کنم و کجا برم این فرزندان را چون دلم آید که این را پیش من هلاک کنند؟

در این غم در خواب شد. و این پس از آن بود که موسی را برگرفته بود و پاک کرده و در سلای از بزرگ خرما نهاد. در خواب بنمودندش که متری از هلاک کردن فرعون، برو و در آب انداز که حق تعالی نگاه دارد و بتوبت زده شد. بدین دلیلست که وحی خواب درستست. آنگاه مادرش خواهرها و چنین گفت که چنین با ید کرد. و بعضی گویند از گوشه خانه آواز آمد که چنین کن و این را بلفظ وحی با دگرذیرا که با مرا بود. بهر حال که بود از فرمان حق بود.

آنگاه ورا در تابوتی نهاد ز خرما و شیربیداد و آب انداخت و آن آب یکساخت سوی ساری فرعون رفتی و به ساری در آمدی، و بزیر تخت فرعون بر رفتی و بیستادان شدی، و بحوض در آمدی، و یکساخت دیگر سوی شهر رفتی. و در قصه چنین آمده است که شاخ دیگر تا بتوبت موسی را بر بود. جبرئیل پر بزد و بسوی شاخ بر بدید که ساری فرعون بود. گفته اند چندین بار آن آب بزرگتر خواست که تا بتوبت برسد، لیکن حق تعالی خواست که او را فرعون پرورد تا خلق بداند که حکم ورا هیچ کس نتواند بداند زدا شدن. و بران جا یگانه می گفت تا وقت صبح دمیدن، و بساری فرعون در آمد و بزیر تخت او بگذشت و در بیستان آمد و گرد می گشت تا روشن گشت. و کنیزکان زن فرعون بلب حوض آمدند تا آب برداشتن تا بتوبت دیدند که بر آب می گشت. با یکدیگر گفتند این چه شایه بود. حیل کردند تا بتوبت را بگیرند و بتوبت پیش آسپه (= زن فرعون) بردند و گفتند چنین تا بتوبت یا فتیم. آسپه گفت پیش من آرید. و تعجب کردند که کودکی دیدند در او، نورانی و حق تعالی در آن یک ساعت مهر و آسپه در آن گفتند. شاد گشت و گفت مرا این فتوح افتاد دودا ده خداست سبحان و تعالی.

آسپه را بیوی شاد دیدها بود. و اینجا نخست قصه آسپه یاد کنیم:

هر داستان را که بنگریم، خواه باستانی و خواه نو، خواه حماسی و خواه عاشقانه، خواه ویژه کودکان و خواه خاص کتاب خوانان و درس خوانندگان، به هر حال از یک سلسله حوادث ساخته شده است. این حوادث از جایی آغاز می شوند به یکدیگر می پیوندند و در هم تافت می کنند و سرانجام در جایی به پایان می رسند و این پایان گناه غم انگیز است (تراژدی) و گاه شادی بخش.

اگر هر داستان را به ساختن می مانده کنیم، حوادث گوناگون - که در اصطلاح ادب آنها را عناصر داستان می نامند - به منزله مصالح ساختمانی، آجر و گچ و سنگ و چوب و آهن و سیمان یا لوازمنان نوی آن از صنوع لوله و سیم و شیشه و رنگ و ما ننند آن هاست.

برای نخستین بار در حدود سال های ۱۹۳۰ میلادی یک استاد درس اهل اتحاد جماهیر شوروی دریا فت که اگر چه در ساردنیا و در نزد ملل و اقوام گوناگون هزاران هزار داستان وجود دارد که هر یک از آنها با دیگری متفاوت دارد، اما عناصر مشترک تشکیل دهنده این داستان ها محدود است و تعداد آن ها از پنجاه در صدی گذشته کمتر است. این همه ساختن که در نقاط مختلف دنیا وجود دارند، هر یک به شکلی و صورتی ساخته شده اند اما تعداد مصالح آن ها بسیار محدود است داستان ها نیز به همین منوال به صورت های گوناگون، اما از عناصر محدود ساخته شده اند. از این روی گاه اتفاق می افتد که یک عنصر داستان بسیار زیاد است، داستان های ملل و اقوام گوناگون به کار گرفته شده است. بهتر است در این باب مثالی بزنیم:

یکی از عناصر داستان سرایی این است که گاه هنسان و اخترشناسان برای پادشاه وقت پیش گوئی می کنند که در فلان سال و فلان جا کودکی به دنیا خواهد آمد که پادشاه زوال سلطنت آن پادشاه خواهد شد. آن گاه پادشاه تمام سعی خود را برای پیش گیری از زاده شدن آن کودک به کار می برد، اما نمی تواند در سر نوشت را تغییر دهد. نمونه کامل و بسیار مشهور استخفا از این عنصر، داستان موسی است. گاه هنان به فرعون گفتند که زودی آن کس که حکومت تو را سرنگون خواهد کرد از زاده خواهد شد. فرعون بفرمود تا با زسان و ناظران گمانشندان هر کودکی که در مرز زاده می شود در نظر بگیرند، اگر دختر بود که بی بدوند شته یا شنودا گرسر پسر بود به حکومت خیر بدهند تا او را بکشند و بر هر زنی که ممکن بود به سر زنی جنان که هیچ غایب نشود، کودک "خطرناک" در پیش زنی جنان که هیچ غایب نشود.

داستان های دینی و ملی و تاریخی نیز مورد استفاده قرار گرفته و از آن بهره برنده است. از میان داستان های دینی، در سرگذشت ابراهیم و عیسی عین همین مطلب آمده است. گام شهر نیز دستور کشتن نوزادان نرینه را صادر کرده است، اما آن گاه هر یک به طریقی از این کشتار جان بدر برده و ماء مویزت خویش را انجام داده اند.

در داستان های ملی نیز از این عنصر در سرگذشت فریدون استفاده شده است. شعی ضحاک خوابی هولناک می بیند و با وحشت از خواب می بزد و آخترشما را را فرار می خواند و از تعبیر خواب می بزد و آخترشما را را فرار می موبدان زنگفتن آنچه دیده و دانسته اند حذر می کنند و سرانجام با گرفتن تاء مین از او اعلام می دارند که بزودی کودک برهم زنده شود در جنگل، گاه و پسر زاده خواهد شد. فریدون زاده شود در جنگل، گاه و پسر مایه ورا شیر داد و پرورد و سرانجام دستگاه ظلم ضحاک به دست فریدون بر چیده شد.

برای قهرمانان واقعی تاریخی نیز از این داستانها ساخته شده است. چنان که می دانیم در مورد کوروش بزرگ خوابی دیده بود که وی برهم زنده دستگاه پادشاه ماد است. شاه برای از میان بردن کوروش اقدام کرد اما طبعی است که به نتیجه نرسید.

پس از این مقدمه نسبتاً دراز اکنون گوئیم گاه می در میان داستان های ایرانی که شاه خدای از اقوام هند و اروپایی است، می توان همانندی هایی با داستانهای کهن اقوام سامی یافت. از این گونه است مثلاً بهشت سرنوشته جمشید و زکریای پیغمبر که هر دو با آره کشتند. یا مثلاً بهشت داستان ابراهیم خلیل که ورا در آتش انداختند و خدایا و ش که خود را و طلبا نه و به قصه ادای سوگند از آتش گذشت و در هر حال آتش به هیچ یک از آن دو زانی نرسانید.

آنچه امروز در صدیای زمنمون آن هستیم سرگذشت موسی است، پس از زاده شدن، و داستان داراب پسر بهمن از دختر خویش همای، و آنچه پس از زاده شدن پسر وی آمد. داستان داراب با تفصیل بسیار در داستانها بسیار طاهر و بسوی آمده است. مختصری از آن را نیز استاد طوس فردوسی، در شاه نامه آورده است. داستان موسی را نیز به تفصیل با به اختصار، در کتاب های تفسیر قرآن، و داستان های پیامبران می توان یافت. در این گفتار داستان موسی از قصص الانبیای ابواسحاق نیشابوری نقل شده است:

بدانکه موسی از زنی اسرائیلی بود، و اختلافت که از فرزندان که بود. بعضی گفته اند که از فرزندان ابراهیم یا مین بود، و بعضی گفته اند که از فرزندان یهودا بود و

ترا ملامت می کنند بنا بودی بر او، و آتش را در آتشگاه یافتیم نیکووری ما ننده ملک زادگان، و شگفت کنیم این ما را آفریدگار ما هدیه داده است. فرعون گفت یا آسپه نیا بد (= مبادا) که این آن فرزند تو که زبانی اسرائیلی بیرون خواهد آمد و آسپه گفت فرزند تو که ما بیرون آوریم ما را قوتی بود از وی و خلقی نیاید. فرعون رضا داد موسی را بفرزندگی گرفت. و مادرش خود را به او بود، نیکوشی داشت. و آسپه در سرخدا و نندرا عبادت می کرد.

چون موسی یکساله شد، فرعون روزی آسپه را گفت این پسر را چه کردی؟ آسپه موسی را بی آورد، بگوهرها آراسته و لبهاش نیکو پوشیده. چون فرعون موسی را بدید در دلش چیزی بگشت و او را هیبتی از موسی در دل آمد گفت یا آسپه من همی ترسم که مرا از این کودک بلایی برسد. پس موسی را برکت گرفت و بتوباختش فرعون گفت این آن برآورد و فرعون آمدی چه رسد غلام با وی بر رفتی و جا مهای دشمن منست. این را بگشتم پیش از آنکه زین بلای بی من رسد. آسپه گفت عجب می دارم از تو که از کودکی بدین خردی می اندیشی. اگر می خواهی که بدانی که برخلاف اینست حال او را بیای زما چیزی تا پیدا شود ترا.

آنگاه بفرمود تا طشتی بیا و در نندیر آتش، و طشتی دیگر پر از زغتاب، و هر دو را پیش او بنهادند. موسی دست بختاب درآ ز کرد تا برگردد. جبرئیل در ساعت بیا مددست او بگرفت و سوی آتش برد. موسی پا ره آتش برگرفت و بر زبان نهاد. زبانش بسوخت و آن عقده بر زبان او از آن بود. فرعون او را معذورا داشت.

پس از آن موسی را بنا ز می داشت و می پرورد. چنانکه با خیار آمده است که چون موسی بزرگ شد که ز خانه فرعون بیرون آمدی چه رسد غلام با وی بر رفتی و جا مهای همه بیروا رید بافته بودند تا آنگاه که بگریخت، و آسپه عبادت همی کرد تا موسی با آمد بر سالت بسوی فرعون و جا دوان فرعون را قهر کرد، و فرعون بکار وی درماند.

باقی داستان موسی که دراز آهنگ و بسیار رذل پذیر است مربوط به بحث امروز ما نیست. خوانندگان گرامی خود آن را در رقص الانبیای ابواسحاق نیشابوری بخوانند و لذت ببرند.

از ایرانیان، نوزادی را که به علتی دیگر به آسپه انداختند، و از آنجا نجات یافت و به صورتی که "موسی" متفاوت بزرگ شد را فرزند بهمن است. شگفت تر آن که در قصص الانبیای در اشتقاق معنی موسی گفته است: به زبان عبری "مو" آب است و "سی" درخت، و در اشتقاق داراب نیز گفته اند که مرکب است از "دار" و "آب"

دوری گزید.  
 چو ساسان شنید این سخن خیره شد  
 ز گفتار بهمن دلش تیره شد  
 به دو روز و دو شب بسان پلنگ  
 ز ایران بمرزی دگر شد زنگ  
 دمان سوی شهر نشا پور شد  
 پیر از رجا زید در دور شد  
 زنی را ز تخم بزرگان بخوشت  
 بیوررد و با جان و دل داشت راست  
 نژادش بگیتی کسی را نگفت  
 همی داشت آن راستی در نهفت  
 زن پاک تن خوب فرزند زاد  
 ز ساسان بر ما یه، بهمن نژاد  
 فرزندان ساسان همگی نام پسران خود را ساسان می نهادند و تا چها رپشت در نیشا بور به کار چوپانسی و گلهداری می پرداختند. فردوسی پس از شرح این ماجرا فرماید:

کنسون با زگردم به کار همای  
 پس از مرگ بهمن که بگرفت جای  
 بیماری اندر بر مرد اردشیر  
 همی بودی کار تاج و سریر  
 همای آمد تاج بر سر نهاد  
 یکی راه و آیین دیگر نهاد  
 سه راهمه سر بر بار داد  
 در گنج بگشاد و دینار داد  
 پیرای و بداد از پدر برگزید  
 همی گیتی از دادش آبا دگشت  
 نخستین که دیهیم بر سر نهاد  
 چنانرا بداد دودش مزده داد  
 که این تاج و این تخت فرخنده باد  
 دل بدگلان ما کنده باد  
 همه نیکویی باد کردار ما  
 مینادکس رنج و تیمار ما

اما با آن که در این روزگار خود بر تخت نشسته و بزرگان نیز او را به شاه می برداشته بودند:  
 چو هنگام زادنش آمد فرار  
 ز شهر و ز لشکر همی داشت راز  
 همی تختش پای پسند آمدش  
 جهان داشتن سودمند آمدش  
 بقیه در صفحه ۷



از دوشنبه یکم تیر تا دوشنبه ۱۵ تیر ۱۳۶۶

دوشنبه ۱ تیر

جمهوری اسلامی اعلام کرده نیمه شب یکشنبه مرحله دوم عملیات تصرف در منطقه کوهستانی کردستان عرق را آغاز کرد پس از نبرد سختی شهر موآت را به اشغال درآورد. در این نبرد به گشتی را دیوتهران چند ارتقا استراژیکی و چندین پایگاه نظامی و قسمتی از جاده ارتباطی موآت به سلیمانیه تصرف نیروهای جمهوری اسلامی درآورد.

سه شنبه ۲ تیر

بها شمی رفسنجانی، پیش نویس قطعنامه اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به منظور بیان دادن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق را غیرعادلانه توصیف کرد و اعلام داشت تنها چاره خیرنصر-۴، خطری است به کسانی که پیشنهادهای نا عادلانه میکنند.

چهارشنبه ۳ تیر

میرحسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی، گفت چون شورای امنیت در برابر آغاز کننده جنگ، تاکنون هیچ موضعی نگرفته است، حق اظهار نظر در برابر آئینده جنگ تحمیلی را ندارد و جمهوری اسلامی به تصمیمات شورای امنیت اعتنائی نخواهد کرد.

هیئت دولت فرانسه، انجمن اسلامی "اهل البیت" وابسته به جمهوری اسلامی را به علت شرکت اعضای آن در عملیات تروریستی، منحل و غیرقانونی اعلام کرد.

جمهوری اسلامی اعلام کرد کوه ها و پیما های عراقی دوروستای ملامش و شیوه برای هم واقع در نزدیکی سردشت کردستان را بسپار آن کردند. در نتیجه این بسپار آن ها به گفته جمهوری اسلامی هشت غیرنظامی کشته و شصت نفر مجروح شدند. جمهوری اسلامی تهدید کرد چنانچه عراق به حمله های هوایی علیه مناطق غیرنظامی ادا ندهد، جمهوری اسلامی مراکز اقتصادی عراق را مورد حمله قرار خواهد داد.

جمهوری اسلامی اعلام کرده نیروهای سپاه پاسداران سحرگاه چهارشنبه عملیات نصر ۵ در جبهه شمالی آغاز کردند. به ادعای رادیوتهران، در این نبرد بیش از ۸۰۰ تن از نیروهای عراقی کشته یا زخمی شدند و ۲۰۰ کیلومتر مربع

از اراضی عراق به اشغال نیروهای جمهوری اسلامی درآمد. در این حال عراق اعلام کرد عملیات نصر ۴ را در هم شکسته است و تلفسات جمهوری اسلامی در این نبرد به بیش از ۴۰۰ کشته و زخمی بالغ شده است.

پنجشنبه ۴ تیر به گزارش عراق، ناوهای آن کوریک هدف بزرگ دریایی را که قصد ورود به بندر شامپور را داشت، هدف موشک قرار داده آن را غرق کردند.

به نوشته لوموند، در روزهای ۱۵ و ۱۴ تیر ماه، ریحارد مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا و ولادیمیر پوپلیا کوف، معاون وزارت خارجه شوروی، برای سومین بار در ژنو با یکدیگر دیدار می کنند و درباره جنگ جمهوری اسلامی عراق، اوضاع خلیج فارس و اوضاع ورمیان به گفتگو خواهند پرداخت.

دولت اسرائیل سرانجام مدارک مهمی را که مربوط به تحویل سلاح های ساخت آمریکا به رژیم تهران است در اختیار کمیسیون های تحقیق کنگره آمریکا قرار داد.

به نوشته روزنامه کویتی برای العام معرقا فی رهبرلیبی، با ردیگر جنگ جمهوری اسلامی و عراق را جنگی دیوانه وارویی حاصل لقب داد و از رژیم تهران خواستار رشده به آن پایان بخشد.

جمعه ۵ تیر ها شمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران، آمریکا را بشدت مورد حمله قرار داد و گفت ما نمیخواهیم در خلیج فارس جنگیم ولی اگر جنگی روی دهد جنگ طولانی خواهد بود و ما پیروز خواهیم شد. وی گفت: اگر یک قطره خون از سوی آمریکا در خلیج فارس ریخته شود، سیل خون در دنیا راه می افتد. رفسنجانی درگیری نیروهای سوریه و حزب الله را در لبنان توطئه آمریکا دانست و گفت: ما این اشتباه را از سر به بعد میادانیم.

دونا وچنا شناس نیمه شب گذشته یک نفتکش وچون ژوئی را پس از ترک بندر احدی کویت مورد حمله قرار دادند. هم زمان یک ناوچه شناسنا در یک نفتکش عظیم لیبریایی را در خلیج فارس مورد حمله قرار داد و آن را به آتش کشید.

ناظران، این حملات را پاسخ رژیم جمهوری اسلامی به از سرگیری حملات عراق علیه نفتکش ها میدانند. گزارش خبرگزاری ریها، در هفته های اخیر پاسداران جمهوری اسلامی، با استفاده از ناوچه های سریع که در جزایر سوکوها ی نفتی خلیج فارس مستقر هستند، چندین بار در تارتاریک شب و با استفاده از موشک و مسلسل نفیشتک ها را مورد حمله قرار داده اند.

سفیران شوروی در تهران و بغداد، با مقامات این دو کشور دیدار کردند و پیرامون اوضاع خلیج فارس و طرح پیشنهادی شورای امنیت برای پایان بخشیدن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق به گفتگو پرداختند.

شنبه ۶ تیر

عراق اعلام کرد حملات جمهوری اسلامی

را در جبهه شمالی درهم شکسته است و ارتقاغات اشغال شده را با زپس گرفته است.

حسن علائی فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران، اعلام کرده که اقدامات اخیر آمریکا در خلیج فارس به منزله اعلام جنگ علیه جمهوری اسلامی است.

یکشنبه ۷ تیر واشنگتن پست به نقل از مقامات وزارت دفاع آمریکا فاش کرده که اخیرا "محموله جدیدی از سلاح های چینی از جمله موشک های بمب افکن و موشک های کرم بریشم به بغداد رسیده است.

سیدعلی خامنه ای، در تهران تهدید کرد اگر عراق به پشتیبانی حضورناوهای آمریکا در خلیج فارس دست ببرد عملیاتی بزند، جمهوری اسلامی بدون توجه به پیرامون نفتکشها در خلیج فارس به پاسخگویی خواهد پرداخت. میرحسین موسوی نیز پس از بازدیدما نوری نیروی دریایی در بندرعباس اظهار داشت: آمریکا در خلیج فارس شکست خواهد خورد.

وی افزود: این خلیج با دیدار آمریکا با شدت اسلامی. سعیدرجائی خراسانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل، که در ایران بسر میبرد، اعلام کرد که ایران خودش بتنهائی تصمیم خواهد گرفت که چه وقت جنگ را در خلیج فارس پایان دهد. وی تا کیدکرد که سازمان ملل متحد شورای امنیت قدر نیستند مسئله جنگ را حل کنند.

جمهوری اسلامی اعلام کرده هواپیماهای عراقی با مدام در روز، حمله های مسکونی سردشت را با سلاح های شیمیایی میباران کردند که طی آن ده نفر کشته و ۶۵۸ زخمی شدند.

دوشنبه ۸ تیر

کشور اسلامی موریتانی بخاطر اعتراض به سرخسختی جمهوری اسلامی در دادگاه جنگ و خودداری رژیم اسلامی از آغاز مذاکرات، روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی قطع کرد. قطع روابط موریتانی بلافاصله بعد از دیدار فرستاده امیرکویت از موریتانی صورت گرفت.

جمهوری اسلامی امروز اعلام کرده که سپاه پاسداران با کمک شورشیان کرد عراق، صبح یکشنبه عملیات فتح ۷ را در جنوب سلیمانیه واقع در کردستان عراق آغاز کردند و به مدت چند ساعت شهرک های حلچه و سیدماذق را به اشغال خود درآوردند.

مجلس خبرگان پنجمین اجلاس خویش را آغاز کرد. در نخستین جلسه آیت الله مشکینی برپایت مجلس خبرگان و ها شمی رفسنجانی به سمت نایب اول و رئیس انتخاب شدند.

عراق با وجود تهدیدهای جمهوری اسلامی اعلام کرد یک هدف بزرگ دریایی را در نزدیکی سواحل ایران مورد حمله قرار داده است.

کلیه دیپلماتهای جمهوری اسلامی

در لندن به جز آخوندزاده که ردا سفارت، چند ساعت قبل از پایان صلهتی که دولت انگلستان تعیین کرده بود خاک این کشور

را ترک کردند. سه شنبه ۹ تیر

علی اکبرولایتی، وزیرخارجه جمهوری اسلامی، در دیدار با زوین، ازکسورت والدها یم رئیس جمهوری اتوریس علیرغم سوابق نازی وی دعوت کرد که برای یک دیدار رسمی به ایران برود.

چهارشنبه ۱۰ تیر

سخنگوی ریاست جمهوری آمریکا اعلام کرد واشنگتن به تلاش گسترده ای برای پایان بخشیدن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق دست خواهد زد و افزود هدف از این تلاش بین المللی آن خواهد بود که جنگ بین دو کشور، بدون غالب و مغلوب به پایان رسد.

علیرضا افشار سخنگوی سپاه پاسداران اعلام کرده که جمهوری اسلامی، جزایر خلیج فارس در حوالی تنگه هرمز را برای مقابله با هرگونه حمله ای مسلح کرده است.

پنجشنبه ۱۱ تیر

سیدعلی خامنه ای هنگام بازدید از یکان موشکی سپاه پاسداران، تهدید کرد که ایران با قدرت موشکی خود قادر است آمریکا را در خلیج فارس به خطر اندازد.

جمعه ۱۲ تیر

شوروی با انتشار بیانیه ای پیشنهاد کرده که همه کشتی های جنگی متعلق به کشورهای خارجی در اسرع وقت از خلیج فارس خارج شوند و جمهوری اسلامی عراق، از هرگونه اقدامی که کشتی رانی بین المللی را در خلیج فارس بخاطر انداخته دست بردارد.

در این بیانیه آمده است که ادامه جنگ جمهوری اسلامی و عراق به وضوح هرچه بیشتر اوضاع می انجامد و کار به چنان مرحله خطراتی خواهد رسید که ما چسرا از یک جنگ منطقه ای فرا تر رود و به یک بحران بین المللی تبدیل شود.

شنبه ۱۳ تیر

جمهوری اسلامی از پیشنهاد شوروی حسن استقبال کرد و حضور نیروهای خارجی را در خلیج فارس غیرقانونی و غیرقابل تحمل توصیف کرد.

یکشنبه ۱۴ تیر

میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی نیز پیشنهاد شوروی را یک پیشنهاد سازنده توصیف کرد. رئیس دبیرخانه کاخ سفید نیز اظهار داشت چنانچه شوروی کشتی های خود را از خلیج فارس خارج کند آمریکا نیز ممکن است پیشنهاد شوروی را مورد بررسی قرار دهد ولی کنترل این منطقه را هرگز بدست شوروی نخواهد سپرد.

دوشنبه ۱۵ تیر

ساعت ۸ وده دقیقه صبح امروز، انفجاری در یک اتوموبیل رونو متعلق به سفارت جمهوری اسلامی در شمال شهر ما درید که محل اقامت هیئت های دیپلماتیک است رخ داد و سه نفر از جمله راننده اتوموبیل سفارت بشدت مجروح شدند. کلیسای انگلستان اعلام کرد گزارش دبیروزن نامه کویتی الانباء مبتنی بر این که تری ویت اخیرا " در گذشته است، بسیار رمشوش است اما قمار در به تائید صحت این گزارش نیست.

هماندی عناصر داستان سرایی

در داستان های ایرانی و سامی

بقیه از صفحه ۶

نهانی پسر زاد و پاکس گفت همی داشت آن نیکویی در نهفت بیاورده آه تن دایمه را یکی پاک پرشرم و با مایه را نهانی بدوداد فرزند را چنان شاه شاخ برومند را کسی کوزفرزند او نام برد چنین گفت کان پاک زاده بمرد همان تاج شاهی بسر بر نهاد همی بود بر تخت پیروز و شاد توجیعی که فردوسی از این روش های می کند این است که وی را پادشاهی و افسرداری خوش آمده بود و از این روی فرزند را به یاد سپرد و شهرت داد که وی مرده است. اما پس از مدتی کوتاه ( هشت ماه ) پسر به صورت پادشاه ( بهمن ) درآمد: بدین سان همی بود تا هشت ماه پسر گشت ماننده رفته شاه بفرمود تا درگری ( = نجاری ) پاک مغز یکی تخته چست از درکار رنگز یکی خرد صندوق از چوب خشک بگردند و برزد برا و قیر و مشک درون نرم کرده بدیبا ی روم برانوده بیرون او مشک و موم بزیرا ندرش بستر خواب کرد میانش برآ ز در خوشاب کرد

بسی ز سرخ اندر و ریخته عقیق و زبرجد برآ میخسته بیستند بس گوهرشاهوار بیازوی آن کودک شیرخوار بدانگه که شد کودک از خواب مست خروشان بشددایه چرب دست نهادش صندوق درنرم نرم بجینی پرندش بیوشید گرم سرتنگ تابوت کردند خشک به ذوق و بعنبر بقیرو بمشک ببردند صندوق را نیم شب یکی بردگر نیزنگشاد لب زبیش همایش بیرون تا ختنند با پفسرات اندر انداختند پس اندر همی رفت پویان دومرد که تا آب با شیرخوار چه کرد چو کشتی همی رفت چو آب اندر آب نگهبان آنرا گرفته شتاب سینه چو بر زد سرا ز کوهسار بگردید صندوق بر رودبار بگا زرگهی کاندرو بود سنگ سرجوی را کار کرده تنگ یکی گازر آن خرد صندوق دید بیویدوزکار گه برکشید چو بگشاد گسترده ها برگرفت بماند اندران کارگا زر شگفت بجایه بیوشید و آمد دمسار پرا میدو شان در و روشن پروان سبک دیده بان پیش ما مش دوید صندوق و گا زر بگفت آنج دید جها ندا رپیروز با دیده ( = دیده بان ) گفت که چیزی که دیدی بیاید نهفت

بقیه در صفحه ۱۱







بقیه از صفحه ۱

ماجرای وحیدگرچی

رسوایی تازه سفارت خمینی

فرانسه دستگیرکننده ماگرچی، روز دستگیریش نا پدید شد. به گفته پاره‌ای منابع، یکی از مقامات وزارت امور خارجه بخاطر جلوگیری از تیرگی بیشتر روابط فرانسه و جمهوری اسلامی، وی را از دستگیری قریب الوقوعش آگاه ساخته بود. در آن زمان اعلام شد که گرچی به سوئیس گریخته است.

تا این که روز سه شنبه ۳۰ ژوئن، رادیو "اروپا یک" اعلام کرد "وحیدگرچی" به احتمال زیاد در سفارت جمهوری اسلامی در پاریس پنهان شده است. در ایام روز، پلیس فرانسه ساختمان سفارت جمهوری اسلامی را در پاریس محاصره کرد و بطور سیستماتیک هویت کلیه کسانی را که به سفارت وارد یا از آن خارج می‌شدند مورد بررسی قرار می‌داد.

هم‌زمان، سفارت فرانسه در تهران نیز به محاصره ما موران جمهوری اسلامی درآمد و سخنگوی وزارت خارجه اسلامی، رفتار دولت فرانسه را با "ایران تیان مقیم فرانسه" و کارکنان سفارت محکوم کرد و اعلام داشت، پلیس فرانسه با زیرپا گذاشتن قوانین دیپلماتیک هرکس اعم از ارباب رجوع یا کارمندان سفارت جمهوری اسلامی در پاریس می‌شود، مورد تفتیش قرار می‌دهد.

وزارت خارجه اسلامی همچنین یکی از دیپلمات‌های سفارت فرانسه در تهران را به انجام عملی منافرتی و ظلمت‌آمیز دیپلماتیک وی متهم کرد.

میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی نیز روز چهارشنبه ۱ ژوئیه - اعلام کرد که فشارهای دولت فرانسه بر دیپلمات‌های جمهوری اسلامی و اتباع ایران در پاریس، بی‌جواب نخواهد ماند.

وزارت امور خارجه فرانسه، به نوبه خود تا یکدیگر که سفارت فرانسه در تهران تحت محاصره است و جمهوری اسلامی حتی از خروج ۲۸ نفری که در داخل سفارت بسر می‌بردند جلوگیری می‌کند. وزارت خارجه فرانسه با تسلیم اعتراض رسمی خود به دولت جمهوری اسلامی اقدامات رژیم تهران را غیرقابل پذیرش دانست.

وزارت خارجه فرانسه همچنین اتهامات جمهوری اسلامی را مبنی بر آن که اعضای سفارت در تهران دست به فعالیت‌هایی مغایر شئون دیپلماتیک زده‌اند، رد کرد و اعلام داشت رژیم جمهوری اسلامی سعی دارد بین مسئله وحیدگرچی و اتهامات بی‌اساسی که به دیپلمات‌های فرانسوی وارد می‌کنند پیوند ایجاد کند، حال آن که بین این دو مورد هیچ ارتباطی وجود ندارد.

در این گیرودار سفارت جمهوری اسلامی اعلام کرد عصر چهارشنبه - اول ژوئیه - غلامرضا حدادی کاردار سفارت تیک کنفرانس مطبوعاتی برگزار خواهد کرد. هنگامی که خبرنگاران رسانه‌های گروهی پس از گذشتن از هفت خوان تفتیش پلیس فرانسه و ما موران سفارت وارد سالن کتابخانه سفارت جمهوری اسلامی شدند، با کمال تعجب وحیدگرچی را به عنوان مترجم در کنار غلامرضا حدادی یافتند.

حدادی در سخنان خود، مسئولیت اوضاع را متوجه وزارت خارجه فرانسه کرد و اظهار داشت: روز سوم ژوئن که پلیس به آپارتمان وحیدگرچی مراجعه کرد، آقای "دیدیه دسترمو" یکی از اعضاء وزارت خارجه فرانسه ضمن ملاقات با حدادی به سوی اطمینان داد که وزارت خارجه فرانسه مایل نیست وحیدگرچی دستگیر شود و بنا بر این بهتر است تا آرام شدن اوضاع وی در سفارت باقی بماند.

به گفته حدادی، "دسترمو" به وی قول داد که وزارت خارجه فرانسه اقدامات لازم را برای حل این مشکل انجام خواهد داد. همچنین به گفته حدادی، دیپلمات فرانسه مسئولیت این سوءتفاهم را بر عهده پاره‌ای شخصیت‌های غیرسیاسی فرانسه دانست که در مدخل طمعه زدن به روابط دو کشور هستند. حدادی اعلام کرد که گرچی تا زمانی که فرانسه به مواضع سابق خود برنگردد یعنی روند عادی شدن روابط را ادامه دهد - به کار خود در سفارت ادامه خواهد داد.

اما وزارت خارجه فرانسه بلافاصله اظهارات حدادی را بشدت تکذیب کرد و اعلام داشت که آقای "دسترمو" نه تنها هیچگاه هیچ مقامات فرانسوی را به گرچی نرسانده است بلکه برعکس وزارت خارجه با رها به سفارت جمهوری اسلامی گوشزد کرده است که وحیدگرچی باید فوراً "به سوالات با زیرپا یا سخ گوید".

حدادی در کنفرانس مطبوعاتی خود همچنین گفت که در پاره‌ای گرچی هفته قبل با وزیر خارجه فرانسه دیدار و گفتگو کرده است و از وی خواسته است این جریان به سرعت خاتمه یابد تا گرچی بتواند به آپارتمان خود بازمگردد.

حدادی بدون اشاره به اتهامات وارد شده به گرچی، به عنوان دفاع از اظهارات داشت که وی یکی از فعالترین اعضاء سفارت است و برای عادی شدن روابط میان جمهوری اسلامی و فرانسه تلاش فراوان کرده است. حدادی در پایان سخنانش در مورد لجبازی دولت فرانسه برآمد و گفت: روند عادی شدن روابط دو کشور، میتواند به دور از نقض قراردادهای بین المللی و تحریکات، به مسیر خود ادامه دهد. حدادی ادعا کرد که مذاکرات برای حل اختلافات مالی دو کشور بطور مثبت ادامه دارد و به هدف نهایی نزدیک می‌شود.

دیپلمات‌های فرانسوی در تهران تشکیل شده بود. دولت فرانسه روز جمعه با ردیگر تا کیست کرد که وحیدگرچی با دیدن اداای شهادت در پاره‌ای بمب‌گذار ریهای زمستان ۱۹۸۶ با ریس خود را به پاریس پرونده معرفی کند. کاخ نخست وزیری فرانسه روز شنبه اظهار داشت گرچی دارای گذرنامه خدمت است و به هیچوجه از مصونیت سیاسی برخوردار نیست. سخنگوی وزارت خارجه فرانسه نیز به نوبه خود اعلام کرد که سازمان امنیت فرانسه در چارچوب تحقیقات خود در پاره‌ای تروریسم، دوبار در فوریه و مارس ۱۹۸۶ از "وحیدگرچی" با زجوشی کرده است.

در این حال مطبوعات جمهوری اسلامی برخلاف معمول خود، تا روز شنبه - سوم ژوئیه - روشی بسیار ملایم در مقابل فرانسه در پیش گرفته بودند و از هر نوع حمله‌ای به دولت فرانسه خودداری کردند. مطبوعات تهران بدون هیچ تفسیری تنها به چاپ گزارش‌های خبرگزاری‌های خارجی و مطبوعات فرانسه در این باره اکتفا می‌کنند. تنها روز شنبه، رادیو جمهوری اسلامی به فرانسه در برابر برنتا بیج پیش - بینی نا پذیر محاصره سفارتخانه‌اش در پاریس هشدار داد و از دولت فرانسه خواست که دست از این بازی خطرناک بردارد.

رادیو جمهوری اسلامی گفت: فرانسه با این عمل در داد متوطه‌شی افتاده است که مسلماً "بدون پاسخ نخواهد ماند". مفسران دیودولتی تهران همچنین اظهار داشت: با روی کار آمدن دولت شیراک

روابط ایران و فرانسه روبه بهبود گذاشت و پاریس بنا بر دیدن فرستاده سوسیالیست‌ها بگذارد این روابط به وخامت گراید. در نخستین واکنش سیاسی نسبت به ماجرای گرچی در فرانسه، پیرژوکس، وزیر پیشین کشور و رئیس فعلی گروه سوسیالیست‌ها در مجلس شورای ملی، از وزیر امور خارجه خواست تا توضیحات شد و رولان دوما، وزیر خارجه پیشین و نماینده فعلی مجلس از ژیسکا رداستن رئیس کمیسیون خارجه مجلس خواست تا تشکیل کمیسیون خارجه برای رسیدگی به روابط جمهوری اسلامی و فرانسه شود.

در این میان وزارت امور خارجه فرانسه، شنبه شب اعلام کرد که مقام‌های جمهوری اسلامی بعد از ظهر شنبه تصمیم گرفتند که به کارکنان سفارت فرانسه در تهران اجازه دهند به شرط ارائه اسناد هویتی از سفارتخانه خارج شوند. بر اساس بیانیه وزارت خارجه فرانسه، تا دستور صادر شود، اجازه ملاقات به کارکنان سفارت جز به پزشکان داده نمی‌شود.

از سوی دیگر ژان برنارمون، وزیر خارجه فرانسه که بعد از ظهر شنبه برای دیداری رسمی به اردن رفت، بود، بخاطر حساسیت اوضاع، سفر خود را یک روز و دو روز تا زمان مقرر به پاریس رساند و پس از دیدار با ملک حسین و مقامات بلندی پاریس به اردن عودت و شنبه به پاریس با زنگشت، وی در مصاحبه‌ای با خبرنگاران در مان گفت: روند عادی شدن روابط با جمهوری اسلامی قطع شده است و در حال حاضر هیچ مذاکره‌ای بین دو دولت جریان ندارد. وی در مورد ماجرای وحیدگرچی گفت: "اوا از مصونیت سیاسی بهره‌مند نیست و باید خود را به پاریس معرفی کند، رویه دولت فرانسه در این مورد کاملاً قاطع است."

خلیج فارس دور از آرامش و امنیت

بقیه از صفحه ۳

هنوز ژنرال والتر سفر مهمش را در دیدار با مسئولان کشورهای عضو دائمی و غیردائم شورای امنیت به پایان نرسانده است. علاوه بر آن کنگره آمریکا، اگر چه آشکارا تصمیم‌ریگان را مورد تکیه‌هایش سخت قرار داده، اما به راه‌های دیگری در این باره برنخاسته است. در حال، از مجموع وقایع و حوادث و جهت‌گیریهای سیاسی چنین پیدا است که بحران خلیج فارس به مرحله تازه‌ای وارد شده است که حضوراً بر قدرتها بیش از هر زمان دیگر محسوس است. اگر ژنرال وهای آمریکا بی‌امروز بخاطر عدم قطع جریان نفت به اسکورت نفتکش‌های اسکاتلند میرنشین برمی‌آیند، پیش‌بینی برخورد‌های عمدی و یا غیر عمدی، از نوع آنچه که در مورد رزمنا و آمریکا بی "استارک" رخ داد، چندان دور از واقعیت نیست. در خلیج فارس، روزهای کهدر پیش است، بهر روی، از روزهای آرام‌مان بسی دور است.

ندارد، زیرا فقط در سایه همکاری همه کشورهای منطقه، ایجاد آرامش و امنیت در این منطقه امکان پذیر خواهد بود.

\*

تصمیم پرزیدنت ریگان در اسکورت و حفاظت نفتکش‌های کویت به وسیله رزمنا وهای نیروی دریایی آمریکا، که بنا به اعلام کاخ سفید از روز ۱۵ ژوئیه جاری صورت خواهد پذیرفت، سرنوشست قطعاً به پنج عضو دائمی شورای امنیت را احتمالاً "به خطری اندازد". از هم‌اکنون چین و شوروی از واکنشگتن دور شده‌اند و دو کشور بعنوان اعضاء دائمی شورای امنیت تصمیم رئیس جمهوری آمریکا را در محافظت نظامی از نفتکش‌های کویتی تقبیح و محکوم کرده‌اند.

این موضع دو عضو نیرومند شورای امنیت باعث شده است که در راهروهای سازمان ملل متحد از هم‌اکنون، از تصویب قطعنامه‌ها تغییرات مهم سخن به میان آید و علاوه بر آن، اختلاف نظرهای ده کشور عضو غیر دائمی شورای امنیت در موضوع قطعنامه‌ها دیده آشکار شده است.

خوارش های ایران

از گروه خبری نهضت مقاومت ملی ایران

بحران اقتصادی کشور روزها به گسترده تری می یابد. اعتبار ریال ایران به حد قابل مکن تنزل یافته و این روزها دلار دریا زارسیا هتا ۱۲۷ تومان رسیده که خودنما یا نگرستون کا مل ریال و تورم میا رگسیخته است. بانک مرکزی مدت ها است که رندا نه شانه از زیر بار انتشار شاخص قیمت کالاها خالی کرده است اما سرعت سیرافزایش قیمت ها از فروردین ماه تا امروز بطور متوسط ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش نشان میدهد. دولت در شرایطی که ذخایر ارزی اش کاهش فوق العاده ای یافته با زهم تضییقاتی برای ورودحتی کالاهای اساسی و داروفا تل شده است. گشایش اعتبار را رزی واردات بسدون انتقال ارز از هفدهم رددیبهشت مساه ممنوع شده و واردات دهه هزاردنومانسی شناسنامه ای نیز تعطیل شده و با زرگانان معتقدند که با زهم بر سرعت سیر قیمت ها افزوده میشود. نیا زدولت به ارزبسه فضا حت کشیده شده و بقول بهزا دنببوی هندوانه را به خاطر چند دلار ارز با جت بوئینگ به شیخ نشین ها می فرستند. دولت گفته است هر کس هزینه های سفر به حج را به دلار بپردازد ذخارج انزوبت می رود. سرعت سیر قیمت ها بقدری گیج کننده و هراس آور بوده که دولت مجدداً دست به تهدید گرانفروشان زده و آقای نبوی از یکطرف گرانفروشان را تهدید به چوبه دار می کند و از سوی دیگر می گوید چون ارزندا ریم نمی توانیم عرضه و تقاضا را متعادل کنیم و آب پاکی روی دست مردم می ریزد. یکی از شیوه های فریبکاری رژیم اینست که گناه کمبودها را که ناشی از بی کفایتی و جنگ است به گردن مردم می اندازد. گناه کمبود گوشت به گردن قصاب و کمبود مواد خوراکی به گردن خواربارفروش و درکل هم به گردن صدام حسین. سرعت سیر تعطیل کارخانه ها بیشتر شده و بعلت کمبود مواد اولیه بخشی از کارخانه ها به کا هش شیفت کاربا تغییر خط تولید رآورده اند این هفته کارخانه مینو سا زنده شکلات، روغن مایع توزیع کرده است. چند روز پیش که رئیس بانک مرکزی افزایش ۱۳ درصد بر حجم اسکناسهای در گردش را اعلام کرد مجدداً " بهای طلا و دلار افزوده شد. کاهش قدرت خرید مردم نسبت به سال گذشته در همین ماهه کا ملا " چشمگیر است و غیر از صنایع غذایی بقیه دست روی دست گذاشته اند. شرکت های تعاونی و مصرف از کا لاتقربیا " خالی است و هزینه ها ادا ره خود را هم نمی توانند تاء مین کند. فشا ر کمبودها بر سا زمانهای انتظا می ودولتی هم مشخص است. در سربا زخانه ها غذای بدون گوشت بسسه سربا زان میدهند، خورش قیمه بسدون گوشت، خورش با دنجان بدون گوشت و... این وضع در شبانه روزی های دانشجوئی آشکارا بی چشم می خورد. چند روز پیش آشکارا به علت قطع سهمیه لاستیک

دولتی به اعتراض پرداختند، ۵۰ درصد اتوبوس های شرکت واحد به علت فقدان وسایل یدکی در تعمیرگاهها مانده و مردم در عذاب هستند.

\*\*\*

در این شرایط وحشتناک اقتصادی، نارضایتی از رژیم روز بروز اوج بیشتری می گیرد، کار به جایی رسیده است که خود حزب اللهی های ادارات بیشتر از مردم عادی به انتقاد پرداخته و فضای سال ۵۷ را بخاطر می آورد. دولت برای مقابله با نارضایتی تصمیمات مضحکی می گیرد از جمله اخیراً " در اددیو - تلویزیون علیرغم مدعایش ساز و آواز راه انداخته و شوی آخوندی از تلویزیون پخش می کند. برای جلب روشنگران، روزنامه نویسان خود فروش را به انتشار دوسه نشریه " روشنگر ما با نه تشویق کرده است از جمله مجله " آدینه به سر - دبیری سیروس علی نژاد عضو سابق آیندگان و صنعت حمل و نقل به سردبیری مسعود بیهنود. برای پرکردن نمازهای جمعه ناچار دست به دامن سپاه و ارگانهای بسیج شده و نمازهای جمعه نسبت به سال گذشته در همین زمان نیمی از جمعیت خود را زدست داده است. در ادارات کارمندان علناً " و با انتقاد از رفتن به نماز ظهر سربا زمی زنند، هفته گذشته در یک واحد نظا می شهرتهران تنها هفت نفر به نماز رفته بودند که با تهدید و اعتراض روبرو شدند و روه سائ قسمت ها را متهم به عدم علاقه به انقلاب کردند.

\*\*\*

روحانیت در بعضی از شهرها از جمله مشهد، مقاومت قابل توجهی از خود نشان می

دهد، انتقاد و نفرت آخوند به عنوان دادستان و قاضی شرع برای رسیدگی به جرائم روحانیون بهمین دلیل است. ما گذشته چند آخوند قداره کش از جمله هادی غفاری را به مشهد فرستادند تا به تهدید روحانیت مقام و بپردازند. بنظر می رسد که مشهد همچنان جایگاه خود را در مخالفت با انقلاب با ملاح اسلام حفظ کرده با شد و لابد با اطلاع دارید که شریعتی وصیت کرده بود که جنازه اش را در کفرآباد مشهد دفن کنند و با زرگان بر جنازه نماز بگذارند که رژیم از ما جرا مطلع شد و جسد را از روی دست با زرگان و خانواده اش ربود و آن را در صحن حرم دفن کرد و خود متولی جناح تبلیغاتی شد. اخیراً " عده ای از مذهبیون بسرای مخالفت با آخوندهای حاکم به مطهری و طالقانی و شریعتی چسبیده و در پناه آنان بر نامه های خود را پیاده می کردند و رژیم که هر سه را به قرا موشی مطلق سپرده بود مجدداً " خود متولی تجلیل و تأیید افکارشان شده و این وسیله مخالفت را هم زدست آنان ربوده است.

\*\*\*

طبق اطلاعی که از درون زندان ها بدست آورده ام، عده ای از زندانیان در زندان های اوین و گوهردشت از دو هفته پیش دست به اعتصاب غذا زده اند. ظاهراً " رژیم شرایط زندان را سخت تر کرده است. توده های زندانی نسبتاً وضع بهتری دارند. توده های قبیل از محاکمه ریش می گذارند و در نمازها شرکت می کنند و ما را سلام خواهی می زند اما همینکه محاکمه شان تمام شد دوباره ما تریا لیست درجه یک ازکا ردر می آیند. زندانیان از آذینه اظهار امیدارند که با یک زهاری رهبر حزب سوسیالیست در زندان شرایط دلپذیری دارد. ما هی چهار هزار تومان خرج میوه اش میشود و اخیراً "

بقیه در صفحه ۱۲

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۱۲۰ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۱۱۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب ( نام و نام خانوادگی - نام خانوادگی )

فانسی و به حروف لاتین )

Nom : .....

Prénom : .....

آدرس : Adresse: .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

همانندی عناصر داستان سرایی

در داستان های ایرانی و سامی

بقیه از صفحه ۷

زن گارر آن دید خیره بماند بر ویرجهان آفرین را خواند رخی دیدتایان میان خیر بدیدارمانده اردن سیر به و داد زن زودبستان سیر بدیدارمانده اردن سیر ز خوبی آن کودک و خواستنه دل او زغم گنت پیرا سینه بدو گفت گارر که ایس را بجان خریدارایم تا جلا و دان که این کودک نامدار بود گرا و درجهان شهر باری بود در این مقام آنچه را که خواستار نشان دادن آن بودیم، یعنی همانندی عناصر داستان سرایی در داستان های ایرانی و سامی ( عرب و یهود )، به بیان می آید. در آراب نیز سرانجام زریبا رتربیتی که گارر زوروش برای او خواسته بودند نمی رود و روش و منشی شان و شاه زادگان را از خودشان می دهد و چون فرایندی داشته خواهدی معجز آسا برای او دید می آید، و سرانجام خیر آن به هم می رسد. همای نیز در طی جوادنی جالب توجه و برهنگان درمی با بدو و نابت می شود که این جوان فرزندش دارا با است. آن گاه بیس از تهیه مقدمات لازم؛ زدرگاه برده فروهنگاه بیگ هفته کس را ندادند راه جهاندار زرین یکی تخت کرد دو کرسی زیب روز و لا زورد

یکی تاج بر گوهرا هوار دویاره یکی طوی گوهرا گار همه خانه خسروانی بسزر در او با فته چند گونه گسیر جواد مدینزدیک ایوان فرار همای آمد از دور و بر دس نماز برافشانند آن گوهرا هوار فروریخت از دیده خون برکنار بسرا گرفت اندر آغوش تنگ بسوسید و بسوسد رویش بچنگ بسا ورد و بر تخت زرین نشاند دوجنم زید ارا و خیره ماند جواد را ب بر تخت ناهی نیست همای آمد و تاج ناهی بدست بسا ورد و بر تارک او بسا داد جبارا بدیهم او مزده داد جواز تاج دارا فرورس گرفت هم اندران کاروزش گرفت بداراب گفت آنج اندر گذشت جان دان که بر ما همه با دگنت بدین ترتیب بر طبق وصیت پنهان، دارا با تاج شاهسی ایران را با زمی یا بدو سال ها به شاه دکانی سلطنت می کند. آن دارا که با اسکندر جنگید و از وی شکست خورد ( و در تاریخ او را داریوش سوم نامند ) بسرا این دارا با است.

♦ دینی، به کسراول، چیزی است ما نند سریشم که مرغان را بدان سکا رکنند. ظاهراً " در عهد فردوسی از ایسن ماده به جای سریشم استفاده می شده است.

بقیه از صفحه ۱

و به همان دلیل که در جمهوری اسلامی روزنا مه مستقل و روزنا مه نگار مستقل وجود ندارد مسجد و منبر و روحانی مستقل هم نمیتوانند وجود داشته باشند. شاید شاخصی تصور میکنند که دگانه ویژه روحانیون را آیت الله خمینی بسرای رسیدگی به جرائم عادی، از قبیل زنا و لواط و سایر منکرات تشکیل داده است. چنین تصویری اشتباه محض است. این قبیل جرائم امروز دیگر در جمهوری اسلامی به تساهل برگذازمیشود. بنفرض هم اگر موارد معدودی پیش می آمد که یا آخوندی کار را به رسوائی کشانده بود و جرمش قابل سربوش گذاری و ماست مالی کردن نبود، یا میخواستند جرمی از مقوله فسق و فجور و زدی و هیزی بسرای ببینند و خلق لباسش کنند همان دادگاهی که زیر نظر آیت الله منتظری در قم تشکیل شده بود برای این موازین تکفایت میکرد. فرمانی که آیت الله خمینی صادر کرده و رأی این حرفهاست. بر اساس این فرمان، بوقت لزوم خود آیت الله منتظری را هم میتوانند به دادگاه بکشند و خلق لباس کنند.

در متن فرمان انتصاب رئیس و دادگاه ویژه روحانیون، آیت الله خمینی می نویسد:

" شما باید به جرائم روحانی نمایان و دین بدنیان فروشان رسیدگی کنید و با سابقه های که در مورد آشنایی با فعالیت عناصردر رژیم در صورت و هر لباس دادارید باید بدون در نظر گرفتن فشاها را جانی از طرف هر شخص یا شخصیت به وظیفه خود عمل کنید..."

هیچ اسمی از فسق و فجور و منتهیات و منکرات در میان نیست. آیت الله صریحا و اکیدا وانحصارا راجع به "فعالیت عناصردر رژیم" دستور میدهد و البته در صورتی که ضرورت اقتضاء کرد میتوان این "عناصر" را به بهانه ارتکاب فسق نیز محاکمه و خلق لباس کرد.

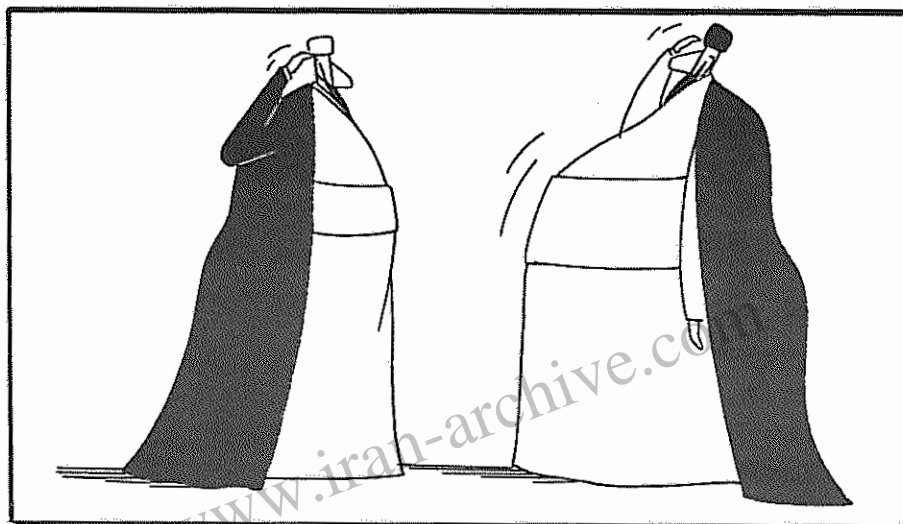
چند هفته قبل از آن که فرمان آیت الله خمینی صادر شود، آیت الله شیخ یوسف ماضعی امام جمعه وقت قم در خطبه نماز

مذهب دولتی

بجای دولت مذهبی

جمعه، شرح کشافی راجع به فضایل نماز جماعت صحبت کرده و چنین گفته بود:

" نماز جماعت از ۱۰۰/۰۰۰ نماز انفرادی ثوابش بیشتر است - خوب به ارقام توجه فرمائید اگر کسی بسرای نماز جماعت به مسجد برود برای هر قدمی که برمیدارد ۷۰/۰۰۰ حسنه در نامه اعمالش مینویسند. ۷۰/۰۰۰ درجه به او میدهند و اگر در مسیر نماز جماعت از دنیا رفت ۷۰/۰۰۰ فرشته در قبرش انیس و رفیق او میشوند و تا روزبعثت و روزنشور برای او طلب مغفرت و آمرزش می کنند..."



با این مقدمات لابد انتظار دارید حضرت آیت الله بگوید کسی که به نماز جماعت می رود حق دارد بدینند پشت سر کسی نماز میخواند و آیا آن که جلوی صف نماز، به امامت ایستاده و اجدشروط "عدالت" هست یا نه؟

شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء که رئیس و معلم علمای عصر خود بشمار می آید قرائش این بود که وقت نماز به هر مسجدی میرسید یک نماز را خود به جماعت میخواند و در نماز دیگری پیش نماز آن مسجد را مقدم میداشت و به او اقتداء میکرد. در اینها، روزی به محله بیدآباد رفت و در وقت مغرب به مسجدی وارد شد که سید محمد باقر شرفی

نا سیونالیزم به حساب می آید و ما به خورشالی ملت ایران که سرانجام به عقده اسطوره های مذهبی فاشق آمد. اما در این شرایط وظیفه مهمتری بر دوش عناصرواقعا " ملی است که اسطوره سازان دیروز را در صف خود جل نهند و یا لا اقل نگذارند قدرتی که آنها در تبلیغات دارند برچم ملی گرای را از کف ملی گرایان اصیل بر بیاورند در این زمینه توضیح میدهم که سازمان مجاهدین در داخل ایران همچنان خالی از نفوذ سردمی است و هواداران این سازمان همان کسانی هستند که در سالهای ۵۴ تا ۵۸ به آنها پیوستند و یا خود به زندان افتادند و یا فردی از نزدیکانشان را

گزارش های ایران

بقیه از صفحه ۱۱

در مورد کمیونسیمیه پنیس آیت الله العظمی منتظری شکایت سرد که این تقیصه هم بر طرف گردید.

\*\*\*

بنظرمی رسد که مجاهدین تغییر موضع داده و اندک اندک خود را از شعارهای اسلامی و ظاهراسلامی مثل حجاب بیرون می کشند که یقینا " خود شما در آمریکا شاهد این تغییرات کتیک هستید. آنها کم کم در شعارهای سیاسی بیشتر به خط جبهه ملی نزدیک شده اند و سخن از مصدق و میهن پرستی می گویند. البته در کل قضیه این تغییر موضع شان نشان دهنده پایان عصر اسطوره های مذهبی و آغاز تولد مجددا ایده ثلویذهای سیاسی جمله

سید علی آفای ما پیدا نکرد! با ری، آیت الله ماضعی، شاگرد دست پرورده آیت الله خمینی، بعد از آن مقدمات در باره اهمیت نماز جماعت به مومنین هشدار میدهد که میباید شیطان فریبشان بدهد و در باره "عدالت" پیشنهادهای جمهوری اسلامی تردید نکنند. شمر، یزید، کافر، فاسق، فاجر، دزد سرگردانه، هرکس را رژیم برای امامت مناسب تشخیص داد مومنین باید به او اقتدا کنند و فقط باید مراقتب باشند که ما جماعت مخالف جنگ و مخالف دولت و خدا انقلاب نباشد. در آن صورت وظیفه شرعی حکم میکند که پدر او را بسوزانند.

شیخ میگوید:

" میباید شیطان و وسوسه ات کند که من دیدم مثلا این آقا رنگ ما شینش سفید بود پس من به او اقتداء نمیکنم! این وسوسه شیطان است. میباید بگوئی زندگی ش بچش، قوم و خویش اینچنین است. اینها وسوسه شیطان است. اینها عمر نقل کرده است که به یک نفری مدتها اقتداء میکردم و بعد معلوم شد او تنهاس عادل نبوده، بلکه مسلمان هم نبوده است. به ما ما صادق معروض داشتیم. امام فرمودند ما زها بیت درست است و احتیاج به اعاده ندارد... این وسوسه ها معمولا وسوسه شیطان است. اما اگر دیدید امام جماعتی خدا نقلابی حرف میزند آبرویش را درجا معبریزید، اگر دیدید علیه جنگ سخن میگوید تنهاس به نماز جماعت عشش نروید به دیگران هم بگوئید، به مسئولین بالاتر هم بگوئید و درجا معبریزید، اما اگر حرف خدا نقلابی میگوید، حالا سلیقه اش با تونمی خواند، اینها هیچکدام خلاف شرع بودنشان نیست!"

فرمان خمینی برای تشکیل دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم روحانیون و خطبه آیت الله ماضعی، هر دو ریشه کاسلامی سیاسی دارد: صدای اعتراض روحانیون غیر دولتی که خواستار بازگشت روحانیون به مسجد و پرهیز از شرکت در خونریزیها و رذالت های قدرت است، هر روز سارتمی شود و رژیم که از رویایی مستقیم با آنها هراس دارد، می خواهد با توسل به حربه جرایم، فریادشان را خاموش سازد.

ایران هرگز نخواهد مرد

وادیو ایران ساعت های پخش برنامه

برنامه اول  
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کورتسبانه رده های ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵۰ کیلوهرتز) ۲۱۰ متر (فرکانس ۱۵۸۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز).

برنامه دوم  
ساعت ۶/۵۵ تا ۶/۵۵ روی امواج کورتسبانه رده های ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۶۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کورتسبانه رده های ۲۱ متر (فرکانس ۱۶۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

نشانی:  
QYAM IRAN  
C/O C. B.  
17, bd RASPAIL  
75007 PARIS  
FRANCE